

## کارزار علیه نژادپرستی در سوئد

در پی اعمال تروریستی گروه‌های نئونازیست علیه خارجی‌ها ساکن سوئد، از سوی نیروهای مترقی این کشور و تشکل‌های وابسته به مهاجران و پناهندگان ساکن سوئد کارزار گسترده‌ای در برابر جنایت‌ها و وحشیگری‌های نژادپرستان سوئدی راه افتاده است. در این راستا، اتحادیه سراسری پناهندگان و مهاجران در سوئد روز ۲۱ فوریه را بعنوان روز

بقیه در صفحه ۳

# کاد

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۷۰ - ۴ مارس ۱۹۹۲ - دوره سوم - شماره ۳۰

## گسترش سوراخ اوزون، خطری مهلک

بنفش خورشید حفاظت می‌کند. ناهود. لایه اوزون موجب نفوذ این اشعه‌های مهلک به سطح کره زمین می‌شود. در نتیجه گسترش سوراخ اوزون در سال‌های اخیر آمار مبتلایان به انواع سرطان، به ویژه سرطان پوست به شدت افزایش یافته است. چندی پیش دانشمندان آمریکای سوراخ اوزون جدیدی بر فراز بخش‌های بزرگی از شمال‌کافاد، شمال اروپا و

بقیه در صفحه ۹

## بر اساس سومین گزارش گالیندوپل

# جمهوری اسلامی به وعده‌هایش در مورد رعایت حقوق بشر عمل نکرده است

## عمل نکرده است

رژیم در دوره مورد گزارش است. مطابق این گزارش در فاصله اول ژانویه تا ۷ دسامبر ۱۹۹۱، ۸۸۴ نفر در ایران اعدام شده‌اند. این آمار از طریق روزنامه‌های مجاز جمع آوری گردیده و شامل مواردی از اعدام است که در روزنامه‌های رژیم درج شده است. بخش دیگری از گزارش به اعمال شکنجه‌های غیر انسانی نسبت به زندانیان اختصاص دارد. در گزارش گفته شده است مجازات‌های نظیر بریدن دست، انگشتان و سنگسار کردن در ایران همچنان ادامه دارد. بازرس ویژه در گزارش خود به محیط

بقیه در صفحه ۳

گالیندوپل با استناد به ملاقات هائی که در سومین سفر خوبا چند تن از زندانیان سیاسی در زندان گومر دشت کرج انجام داده است، وجود زندانیان سیاسی در ایران را مورد تأیید قرار داده و ادعای رژیم در مورد عدم وجود زندانیان سیاسی در ایران را رد کرده است. گالیندوپل با استناد به مشاهداتش از زندانها و هم چنین ملاقات با شمرد بر موارد شکنجه نسبت به زندانیان سیاسی، محروم بودن آنان از حق دفاع از خود و داشتن وکیل مدافع تصریح کرده است. گزارش بازرس ویژه حاکی از ادامه اعدام‌های گسترده توسط

اوایل هفته گذشته اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد بررسی گزارش رونالد گالیندوپل بازرس ویژه این سازمان در مورد امور حقوق بشر در ایران را آغاز کرد. گالیندوپل گزارش ۱۲۱ صفحه‌ای خود را روز سه شنبه ۲۹ بهمن (۱۸ فوریه) به کمیسیون حقوق بشر تسلیم کرد. این گزارش تفصیلی شامل گزارش سومین سفر بازرس ویژه به ایران "تهاسهای وی با مقامات جمهوری اسلامی" ملاحظیات و مشاهدات وی و گزارش هائی است که او از منابع مختلف در مورد نقض حقوق بشر در ایران دریافت کرده است.

## در کشاکش انتخاباتی میان جناح‌های رژیم

# خامنه‌ای جانب شورای نگهبان را گرفت

با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات دوره چهارم مجلس کشمکش میان جناح بندیهای حکومت شدت بیشتری بخود گرفته است. این منازعه بطور عمده حول تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی و اینکه نظارت بر انتخابات و تعیین صلاحیت کاندیداها بر عهده شورای نگهبان است یا هیات نظارت وزارت کشور، بوده است. با وجود آنکه "مجمع تشخیص مصلحت نظام" در این منازعه بسود شورای نگهبان رای داد و تکلیف مسئله مورد منازعه را "قانونا" روشن کرده است، اما تندروها یا جناح مخالف ائتلاف حاکم همچنان بر ابعاد اصل ۹۹ قانون اساسی تأکید دارند. هلی خامنه‌ای مدیرفم برخی اظهار نظرهای پراکنده در هفته‌های اخیر که جانبداری او را

بقیه در صفحه ۳

تندرو پراکندگی و سردگمی آشکار است. از آمادگی به سازش تا گرایش به مقابله افراطی با ائتلاف حاکم. از پافشاری بر اعمال و مواضع ارتجاعی که ۱۳ سال مشخصه خط امام بوده تا روی آوری به شعارهایی دیگر و طرح مسائلی نظیر لزوم آزادی و دموکراسی در جامعه و برداشتهای "کفرآمیز" از ولایت فقیه در میان نیروهای این طیف در حال تجزیه به چشم می‌خورد. ائتلاف حاکم - و بیشتر رسالت - در این انتخابات با دست رو وارد شده و قصد خود را از حذف و تصفیه رقبای تند رو پنهان نمی‌کند. خامنه‌ای به عنوان "رهبر انقلاب" از این خواست پشتیبانی می‌کند و در آخرین سخنرانی خود در برابر شورای نگهبان و هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات صریح تر از همیشه به دفاع از شورای نگهبان و رسالت در مقابل تندروها پرداخت. تندروها که در محدود کردن اختیارات شورای نگهبان شکست خوردند تدبیر و تاکتیک دیگری برای جلوگیری از تصفیه خود ندارند. از سوی برخی از چهره های مهم آنها زرمه تحریم انتخابات بگوش می‌رسد. رفسنجانی هر چند پرچمدار و پیشتان این جنگ و حذف تندروها نبوده است، اما هم جبهه رسالت

بقیه در صفحه ۲

نزدیک به یک ماه دیگر (۱۶ فروردین ۷۱) انتخابات مجلس چهارم شورای اسلامی برگزار می‌شود. این انتخابات کشمکش‌های شدیدی را در درون حکومت جمهوری اسلامی به وجود آورده است و از نظر صف بندی و توازن نیرو در رژیم و هم چنین سیاست‌های آن دارای اهمیت است. اما در خارج از این چهار چوبه و نقشی که می‌تواند در اعمال اراده واقعی مردم و احزاب و سازمانهای سیاسی غیر حکومتی بر جای نهد نتیجه روشن است و از پیش می‌توان نقش این انتخابات فاقد تأثیر در این راستاست.

بقیه در صفحه ۲

## دوازدهمین سالگرد

اسفند ماه امسال ۱۲ سال تمام از انتشار نخستین شماره کارمی گذرد با انتشار شماره ۳۰ سومین دوره انتشار کار، نزدیک به ۲۷۰ شماره از سه دوره و با پیرودهای متفاوت فنگتی، پانزده روزه و ماهانه منتشر شده است.

دوره نخستین انتشار نشریه کار در پی پیروزی انقلاب و آغاز دور جدیدی از فعالیت سازمان که مشخصه‌های اصلی آن حضور سیاسی هلی و نیمه هلی ما در جامعه و اتکا سازمان بر نیروی اجتماعی گسترده بود، صورت گرفت. کار با تولد خود، سازمان ما را وارد حیات روزمره سیاسی کشور کرد. در این دوره، نشریه کار با پیرودهای فنگتی و گاه هفته‌ای دو بار با تیراژ دهها هزار شماره منتشر شد. با تشدید فضای خفقان در کشور، رژیم مستبد آخوندی مانع از فعالیت نشریه کار شد و چندی بعد رفیق محمد رضا قهرایی مدیر مسئول نشریه را به نحو وحشیانه‌ای به شهادت رساند.

دور دوم فعالیت نشریه کار، در پی مهاجرت رهبری وقت و بخشی از کادرها و فعالان سازمان به خارج از کشور آغاز شد. این دور از انتشار کار که در سیمایی دیگر و با پیرودهای یکبار منتشر شد، فاصله زمانی اسفند ۷۲ تا اسفند ۷۹ را در بر می‌گیرد. نشریه کار در این دوره نقش ویژه‌ای در خشتی کردن توطئه سکوت رژیم در قبال سازمان و تبلیغات آن مبتنی بر "میان رفتن سازمان" ایفا کرد.

از دور سوم انتشار کار که در پی تصمیم اقدام دو نشریه کار و اکثریت آغاز شد، اکنون یکسال می‌گذرد. و کار به زندگی خود ادامه می‌دهد!

در دورازده سالی که نشریه کار پرچم و سیمای سازمان ما بوده است، نشریه ما با اتکا به ممت و کوشش هزاران فدایی پرشور که در هر صحنه‌های مختلف فعالیت مهم از کادر سردبیری و تحریریه، نیروی تایپ، ادیت، صفحه بندی و توزیع، خبرنگاری و رساندن نشریه به دست

بقیه در صفحه ۲



## در استقبال عید باستانی ایرانیان و بهار طبیعت

اولین سال از دهه ۷۰ را پشت سر می‌نیمیم و عید نوروز سال ۷۱ را به پیشواز می‌رویم. عیدی که از نیاکان به یادگار برده‌ایم و به آیندگان خواهیم سپرد. سنتی ارزشمند و دیرینه سال که با نام ایران و ایرانزمین گره خورده است. عیدی که جشن همبستگی ایرانیان است و بر آنست تا یگانگی و دوستی، جایگزینی تقارها و فاصله‌ها شود. نوروز، مظهر زدودن آلائش‌ها از دل‌ها و تحکیم پیوندهای انسانی است. نوروزما، سال نو را همراه می‌آورد و مبشر آغاز بهار طبیعت است. گذار از رخصت زمستانی و انجامده طبیعت به شگفتگی سبزه‌زاران و رونق جویباران. درهم آمیزی مجدد کار با طبیعت تا که بارآوری فراهم آید و انسان را نعمت بخشد. نیکو سنتی که ما ایرانیان رخت نو، دل‌های نو و

## ۸ مارس روز جهانی زن

### گرامی باد!

در صفحه ۵

### در این شماره:

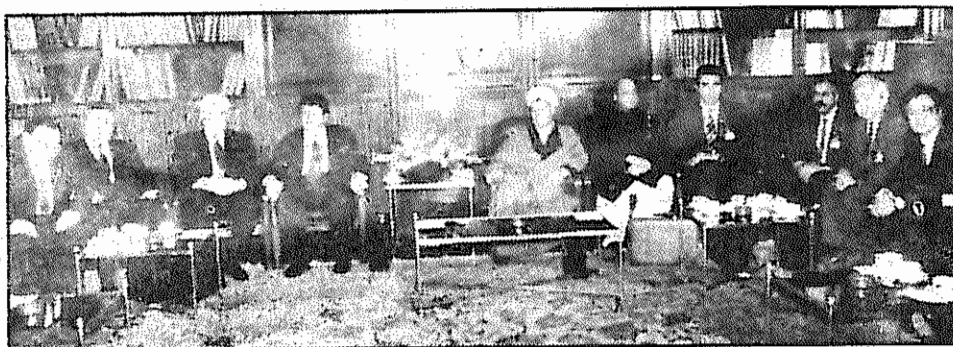
پیام شورای مرکزی سازمان به مردم افغانستان  
در صفحه ۲

### دلخواه به جای واقعیت

در صفحه ۴

اندیشه مارکس  
هنوز در گشت و گذار است  
در صفحه ۸

## اجلاس سران اکو در تهران



ترقیزستان و ازبکستان در این اجلاس مورد تصویب قرار گرفت. قزاقستان بعنوان ناظر در آن شرکت داشت که بنا به اظهارات

بقیه در صفحه ۳

آذربایجان، نخست وزیر پاکستان و مقاماتی از ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و قزاقستان شرکت داشتند. عضویت جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، تاجیکستان و

اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری منطقه‌ای - اکو - روز دو شنبه ۲۸ بهمن ماه، با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد. در این اجلاس روسای جمهور ایران، ترکیه، ترکمنستان و

### پیرامون انتخابات مجلس چهارم

## مردم از حق انتخاب محرومند

بقیه از صفحه اول  
باقی مانده است. هر چند بین او و رسالت ها در این زمینه تفاوتی جدی وجود دارد رسالت جارویش را به قصد روبیدن تندروها بلند کرده اما رفسنجانی خساستار حفظ اقلیتی غیر موثر از آنهادر مجلس آتی است. هم بدلیل "مصلح عمومی نظام" و جلوگیری از راندن نیروهای تند رو به مواضع افراطی و مقابله با جویانه و هم بدلیل ترس از مقابله با تسلط رسالت بر مجلس چهارم. رفسنجانی این خطر را درک می کند که اگر طرفداران رسالت در مجلس چهارم به مواضع نیرومندی دست یابند او را پیش از پیش جهت تمکین به خواسته هایشان تحت فشار قرار خواهند داد.

نتیجه نبرد بین دو جناح اصلی رقیب یعنی تندروها و ائتلاف حاکم از هم اکنون روشن است. ائتلاف حاکم از طریق کنترل شورای نگهبان بر انتخابات و حذف کاندیداهای جناح رقیب تندروها را از اکثریت مجلس ساقط خواهند کرد. علیرغم این هنوز روشن نیست که مجلس چهارم چه ترکیبی خواهد داشت و طرفداران رسالت و هواداران رفسنجانی چه تعداد از کرسیها را اشغال خواهند کرد و بالاخره سهم تندروها و گرایش های مختلف درون آنها چه خواهد شد. این انتخابات یک انتخابات ضد دموکراتیک است و در شرایطی

برگزار می شود که کوچکترین نشانه ای از یک دموکراسی واقعی در جامعه ما به چشم نمی خورد. مهمترین پیش شرطهای یک انتخابات آزاد یعنی آزادی احزاب و آزادی مطبوعات وجود ندارد. همه تبلیغات رژیم در مورد رعایت دموکراسی و حقوق بشر دروغ است و رژیم به هیچ حزب و سازمان و فردی جز هواداران خود اجازه فعالیت نمی دهد. مردم در این انتخابات تا آن اندازه رعایت دموکراسی و حقوق بشر دروغ است و رژیم به هیچ حزب و سازمان و فردی جز هواداران خود اجازه فعالیت نمی دهد. مردم در این انتخابات تا آن اندازه رعایت دموکراسی و حقوق بشر دروغ است و رژیم به هیچ حزب و سازمان و فردی جز هواداران خود اجازه فعالیت نمی دهد.

به اعتقاد ما نتیجه این انتخابات هر چند می تواند در تغییر پاره ای از سیاستهای رژیم از جمله به ویژه سیاست خارجی و احیاناً برخی رفرمهای اقتصادی و شیوه های دولت مداری موثر باشد، اما تحول مهمی در جهت خواستهای مردم، دموکراتیزه کردن جامعه و پایان دادن به فقر و فلاکت عمومی به همراه نخواهد آورد. تحول مهم در راستای آزادی، دموکراسی، رعایت حقوق بشر و عدالت اجتماعی در جامعه ما مستلزم تجهیز به دموکراتیک و پرنامه های و ترفیخ خواهانه و داشتن نیت و اراده برای به اجرا درآوردن آنهاست که در هیچ یک از نیروهای انتخابات را تعیین می کند. بلکه

### پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## به مردم افغانستان

نه اعلام مسبب وضع موجود در افغانستان آسان است و نه تعیین حد مسئولیت های نیروهای سیاسی مختلف افغان و غیر افغانی در پیدایی و ادامه فاجعه افغانستان. پاسخ به پرسش های مطرح شده در این زمینه بفرنج، بهیچوجه یکی نیست و جواب آن نیز دادن جواب به این سؤال نسبت به حل و فصل مسایل جاری، مسلمانان به حفظ بن بست ها و مانع از فراخ شدن روزنه های امیدی خواهد شد که از ظلمت جنگ بدفرجام سیزده ساله بیرون زده است. سیر روندها، تا به امروز بطور طبیعی و در صحنه عمل، عملکرد نیروها و انتخابات های آنها را محک زده است و بیگمان، سر نوشت بعدی این روندها روشنتر خواهد کرد که کدامین نیروها مسئولیت خود را در لحظات سر نوشت ساز درک کردند و چه کسانی از مقتضیات صلح و آرامش در افغانستان سر پیچیدند.

اینک، اگر چه بسیار دیر و نیز به بهای بس گران، برای پایان دادن به فاجعه جنگ خانگی سیزده ساله، شرایط مساعدی در میان نیروهای درگیر افغان و از بعضی جهات در سطح جهانی فراهم آمده است که هرگاه با مسئولیت و مشیاری از آنها بهره گیری شود، میتوان بر نهال نور امید، شکوفه های صلح و امنیت در افغانستان را بنماشاند. تعدد رسمی دولت های بزرگ مبنی بر قطع صدور و تحویل جنگ افزار به طرفین جنگ، بروز نرمش هایی در مواضع سرسخت کشورهای همسایه افغانستان بگونه ای که اکنون همه آنها موافقت خود را با طرح پنج ماده ای سازمان ملل متحد اعلام کرده اند، همه موید مساعدتر شدن شرایط برای دستیابی به صلح است. توافق عمومی نیروهای درگیر با آخرین طرح پیشنهادی خاویز پرز دو کوئینار دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد، باز هم نیرومندتر شدن خواست صلح در میان مردمی که از ادامه سالها خونریزی بیزارند، رشد واقع بینی های باز هم بیشتر در حکومتی که کوشید با اتخاذ مشی مصالحه ملی و تبعات بعدی آن، از روش و بینش های مخرب سالهای نخستین خود فاصله بگیرد، تقویت عقل سلیم در میان اپوزیسیون و جرات برای فاصله گیری از اندیشه نفی و حذف مطلق مخالفان حکومتی و شیر حکومتی، اما، گمانی خطا خواهد بود هر آینه خطرات سر راه دست کم گرفته شود. نمیتوان و نباید نسبت به کار شکنی ها، فزون طلبی ها و جاه طلبی ها در میان برخی از نیروهای سیاسی افغانستان و نیز تاثیر سیاست های منفعت طلبان قدرتهای ذیدخل در روند صلح و حل و فصل مسئله افغانستان دچار توهم و خوش پنداری شد. امکان سنگینی کفه امید در برابر وزنه بیم، تنها در پرتو احساس مسئولیت عمیق نیروهای سیاسی مسئول در افغانستان میتواند به واقعیت قطعی بدل گردد.

مردم کشور همسایه ما افغانستان! ما امیدواریم که افغانستان پایاان دادن به جنگ، سرزمین تغام نیروهای سیاسی افغانی گردد. آرزو مندیم که میدان عمل اندیشه حذف زور مدارانه مخالفان بویژه در بخش افراطی اپوزیسیون تنگ تر شود. ضرور میدانیم که توجه مخالفان حکومت موجود را به ادامه مشی وسوسه شدن و در نتیجه فزون طلبی های بدفرجام جلب کنیم. امیدواریم که از نقش مداخله جویانه قدرتهای بزرگ در افغانستان، بنفع نیروهای بین المللی حمایت از صلح پایدار در این کشور و نقش میانجیگرانه سازمان ملل متحد، کاسته شود. پوشیده نیست که ما اعتمادی به تعهدات رژیم های چون رژیم پاکستان و جمهوری اسلامی نداریم و معتقدیم که نیروی تغام ملی و صلح در افغانستان، اجازه ندهد که تحریکات و منویات آنها روند مصالحه در بین افغان ها را مخدوش کند. ما بر آئیم که ملاک باید همانا انتخاب شما مردم افغانستان در شرایطی دموکراتیک برای تعیین نظام حکومتی در کشورتان باشد. شرایطی که، توسط همه نیروهای سیاسی پاسدار صلح و امنیت و آزادی در افغانستان باید پاسداری شود.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، برای مردم کشور همسایه خود، طالب صلح، امنیت، پیشرفت و سعادت است. ما به همه نیروهای سیاسی صلحدوست افغانستان درود میفرستیم و برای آنها در برخورد های مسئولانه شان در قبال سر نوشت کشور کم سنال افغانستان آرزوی موفقیت میکنیم. باشد که ایران و افغانستان، بدان دو دوست در راه خوشبختی گام بگذارند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اسفند ماه ۱۳۷۰

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما مردم کشور همسایه افغانستان، درود می فرستد و در این برهه تاریخی حساس که افغانستان در آن به سر می برد، شمارا مخاطب قرار می دهد.

آنچه که در افغانستان و پیرامون آن می گذرد و آنچه که سر نوشت افغانستان با آن رقم خواهد خورد، نظر به هم پیوندی دیرینه سال میان مردم دو کشور، یکسانی زبانی و همسانی همیق فرهنگی، گره خوردگی موقعیت سیاسی ایران و افغانستان در منطقه حساس سوق الجیشی ما، و جود مرزهای طولانی بین دو کشور و دیگر اشتراکات نیما بین، برای هر نیروی مسئول در میهن ما ایران اهمیت فراوان دارد.

برای ما مهم است که از بطن نحوست جنگ داخلی سیزده ساله در کشور همسایه ما و در پی مصیبت های انبوه از یکسو و تلاش های مسئولانه برای پایان دادن به این فاجعه از سوی دیگر، کدام آینده سر بر خواهد آورد.

بیش از یک دهه جنگ برادر کشی در افغانستان ثابت کرد که هیچ نیروی سیاسی بر آمده از دل جامعه افغانستان رانمی توان کنار گذاشت و نادیده گرفت. هر یک از نیروهای موجود، در میان بخشی از مردم کشورشان پایگاه دارند و از آنها تقذیه می شوند. مردم رانمی توان از بین برد. آرامش و امنیت باثبات، امری همگانی است که از راه پذیرش موجودیت همدیگر و به رسمیت شناختن وجود یکدیگر تامین می شود.

سالها جنگ دهشتناک در افغانستان اثبات کرده در افغانستان نیز احزاب و جریانات و رهبران سیاسی در منافسات فیما بین، متاسفانه بدترین و خطرناکترین راه را برگزیدند. جز آتشی که می خواهند خونریزی همچنان پیشه شان باقی بماند و بر آند تا همچنان از خون و جنایت تقذیه شوند، امروز دیگر هیچ نیروی سیاسی مسئولی در مذمت جنگ تردید ندارد و حتی کمتر از سابق بر مقدر بودن جنگ از همان آهاز و بد تر از آن بر تداوم آن طی سالیان دراز اصرار می ورزد. اختلافات و تضادها که طبیعی هر جمع انسانی و هر دوره تاریخی از رشد و تکامل یک جامعه است، می تواند و باید در فضای صلح عملکرد داشته باشد.

نزدیک پانزده سال از حیات سیاسی سیاسی فمبار افغانستان نشان داد که قدرتهای جهانی و حکومت های کشورهای همسایه افغانستان، در جنگ داخلی این کشور همواره منافع و مصالح خود را تعقیب کرده اند. غلبه دادن ایدئولوژی ها، رویای توسعه بازار، گسترش مناطق نفوذ سیاسی، توسعه مرزهای جغرافیائی، مستمسک قرار دادن یک ملت برای تحق ق سیاستهای معین منطقه ای و غیره انگیزه های اصلی نیروهای مداخله جو در به فلاکت نشاندن افغانستان بود. این محرک ها همواره زیر شعارهای فریبنده دفاع از حق حکمیت ملی و منافع زحمتکشان افغانستان، پاسداری از کیان اسلام، حفظ ثبات و امنیت در منطقه و جلوگیری از تغییر مرزهای جغرافیائی استوار می شد.

در محاسبات این قدرتهای آزمند آنچه که جای نداشت همانا فاجعه ملی برای افغانها بودی، جراحی، و آوارگی میلیونها افغانی در این جنگ خانمانسوز، ویرانی و گسیختگی کشور شما، و از رمن افتادن چیران ناپذیر اقتصاد کم توان افغانستان بود. در این سالها هر چه که جنگ بیشتر ادامه یافته و دامنگستر شده است، زمینه برای تشدید و توسعه دخالتهای خارجی بیشتر فراهم آمده است.

تجربه فراز و نشیب های بسیار در جنگ نحس سیزده ساله اثبات کرد که هیچ باصلاح حامی خارجی این یا آن نیروی سیاسی افغانی یار تا به آخر وفادار نیست و هر جا که منافعش ایجاب کند به نیروی تحت الحمایه خود پشت خواهد کرد و آنرا تنها خواهد گذاشت. فرمانروایی تحت عنوان یاری و راهنمایی، و کنار گذاشتن دوست دوزری در توافق های پشت پرده، دروی یک سکه است. تردیدی باقی نمانده است که افغان ها جز اینکه با یکدیگر به مذاکره بنشینند و با هم سر نوشت مشترک افغانستان را تعیین کنند، راه دیگری پیش روی خود ندارند. به یقین، هر تدبیر و تشبیهی که بخواد خارج از دایره عملکرد نیروهای افغانی بنام نجات افغانستان صورت بگیرد، اگر هم محلی بنماید سخت شکننده است و نمیتواند منطبق بر منافع واقعی و پایدار مردم افغانستان باشد. هسته اصلی حل و فصل اختلافات در افغانستان را باید کلیه نیروهای سیاسی این کشور تشکیل بدهند و امکانات مثبت بین المللی برای پایان دادن به جنگ برادر کشی باید در خدمت تقویت این هسته و عملکرد شمر بخش و تداوم حیات خلق آن باشد.

## جشن بزرگداشت سالروز ۱۹ بهمن

مراسم جشن بزرگداشت بیست و یکمین بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران به همت و تلاش ارزنده رفقا و دوستان برگزار کننده جشن، در فضای شاد و همبستگی در مبارزه برای استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در میهنمان پایان یافت.

مختلف شعر، رقص های محلی ایرانی با اجرای گروه کودکان آواز، از هامبورگ (آلمان فدرال) و قرائت یادنامه کوتاهی از شهدای سال ۶۷ بود. همچنین یک گروه آواز از آمریکای لاتین و دو گروه آواز ایرانی (جاز و موسیقی اصیل) با شرکت در این مراسم بر شورو شادی آن افزودند.

همزمان با انتشار نشریه گزارش کوتاهی از بزرگداشت جشن بزرگداشت سالگرد جنبش فدائیان خلق ایران دریافت کردیم که در زیر از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

روز شنبه ۲۹ فوریه جشن بزرگداشت بیست و یکمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران با حضور جمع کثیری از ایرانیان در شهر بن جمهوری فدرال آلمان برگزار شد.

مراسم با اعلام شادباش سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان به حاضرین آغاز شد. سپس پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خطاب به جشن بیست و یکمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدایی از سوی رفیق علی پور نقوی از اعضای این شورا قرائت گردید. در این مراسم رفیق قربانعلی هدبلر جیم پور یکی دیگر از اعضای شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز به سخنرانی پرداخت.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پیام خود و نیز رفیق هدبلر جیم پور در سخنانش بر پایداری بر آرمان های آزادیخواهانه، ترقی جویانه و عدالت پژوهانه جنبش فدایی که ریشه در آمال و آرزوهای مردم ایران دارد و بر سر زندگی و پویایی این جنبش تاکید کردند. پس از ایراد سخنرانی بخش هنری برنامه اجرا شد. از جمله برنامه های هنری دکلمه قطعات

## دوازدهمین سالگرد

بقیه از صفحه اول  
خوانندگان کار کرده اند، انتشار یافته است. فراتر از آن، هر فدایی خلق در هر کجای جهان که بوده است پایه و نیروی نشریه کار بوده است. از رفقای دست اندرکار نشریه کار کم نبوده اند آنانکه بخاطر آرمان های شریف و انسانی توسط گروه رژیم به شهادت رسیدند. یاد این رفقا در تاریخ نشریه کار برای همیشه ثبت است.

کار در طی انتشار خود، با دشواری های کمی مواجه نبوده است. اما در برابر مشکلات سیاسی و انواع تنگناها از پاینغته است. این امر، پیش از هم مرهون سختکوشی رفقای است که با ندادن کارهای بسیار پرچم نشریه کار را در امتزاز نگه داشتند و نگهدارند.

تاریخ و سر نوشت نشریه کار، تاریخ ۱۲ سال پرفراز و فرود اخیر جنبش فدائیان خلق است. هر تحول سیاسی، هر اتفاق تشکیلاتی در صفوف فدائیان بلافاصله و بلاواسطه در حیات نشریه کار بازتاب یافته و اکنون نیز چنین است. خطاهای سیاسی کار، جزو کارنامه آنست، اما خدمات آن از آن جنبش دموکراسی و عدالتخواهی است که مشخصه اصلی کار راترسیم میکند. در یک نگاه کلی، نشریه کار صدای آزادیخواهی، ترقیخواهی صلح جویی و عدالت طلبی بوده است و در راه تامین سعادت مردم ایران مبارزه کرده است. ما این سیما را هم چنان حفظ خواهیم کرد و همانگونه که در نخستین شماره دوره جدید نشریه تصریح کردیم کلامی بر زبان خواهیم آورد مگر آنکه باور داشته باشیم آن کلام بنفع مردم کشورمان است.

اکنون، استمرار نشریه کار، بهبود کیفیت آن و وسعت گیری دامنه خوانندگانش نه فقط برای سازمان ما بلکه برای جنبش دموکراتیک و عدالتخواهانه مردم ایران نیز دارای اهمیت ویژه است. وظیفه هر کدام از ماست که برای حفظ و تقویت نشریه کار در هر جا که هستیم و آنچه از عمده مان بر می آید، انجام دهیم. تجلیل از دوازدهمین سالگرد نشریه کار همانا در این نکته خلاصه می شود.



بر اساس سومین گزارش گالیندوپل

جمهوری اسلامی به وعده‌هایش در مورد رعایت حقوق بشر

عمل نکرده است

بقیه از صفحه اول

محدودیت‌های اعمال شده در این زمینه از هنگام سفر قبلی او تغییر نکرده است. بخش دیگری از گزارش به زیر پانچان حقوق اقلیت‌های مذهبی و به ویژه سرنوشت بهائیان اختصاص یافته است. مطابق گزارش فوق امنیت قضائی بهائیان همچنان پایمال می‌شود و آنها اغلب تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به زندان می‌افتند و حتی اعدام می‌شوند. بیش از ۱۰ هزار بهائی که پس از انقلاب از کار اخراج شدند همچنان بی‌کارند و هواداران این فرقه تحت انواع فشارهای مادی، مالی و روانی قرار دارند.

گالیندوپل با استناد به موارد فوق نتیجه می‌گیرد که نقض حقوق بشر در ایران همچنان ادامه دارد و بهبودی در این زمینه به چشم نمی‌خورد. رژیم به وعده‌هایش در مورد رعایت حقوق بشر و اصلاح سیستم قضائی عمل نکرده است. اقدام‌های گسترده و شکنجه‌آمیز وارد حق زندانیان در برخورداری از وکیل مدافع و دفاع از خود نقض می‌شود. محیط عدم اطمینان و دلهره بر جامعه حکمفرماست و احزاب و انجمن‌ها غیر قانونی‌اند، امنیت روزنامه نگاران نقض می‌شود، تشنه‌ای از تحول در

توانین و نحوه اجرای آنها به چشم نمی‌خورد و تلاشی برای جلوگیری از نقض حقوق بشر توسط عوامل رژیم صورت می‌گیرد. این گزارش در نتیجه گیری خود ضمن تاکید بر ادامه نقض حقوق بشر در ایران خواهان ادامه ماموریت گزارشگر ویژه برای سال ۱۹۹۲ میلادی شده و از کمیسیون حقوق بشر خواسته است تا وضعیت حقوق انسانی در ایران را همچنان از نزدیک مورد توجه قرار دهد.

حکومت اسلامی در نخستین واکنش خود نسبت به گزارش گالیندوپل در صدد تخریب محتوای این گزارش برآمد. در روز پیش از انتشار رسمی گزارش رادیوی رژیم در بخش خبری خود مدعی شد که در گزارش امسال گالیندوپل بحثی در مورد نقض عمده حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در میان نیست بلکه مهم‌ترین نکات گزارش به مطالبی نظیر اصلاحات قانونی، اجرای قوانین مصوبه و اختلاف دیدگاه در زمینه‌های قضائی اختصاص یافته است. خبر نگار جمهوری اسلامی از لندن نیز طی گزارشی مدعی شده گالیندوپل از رعایت حقوق بشر در ایران ابراز رضایت کرده و اعلام داشته که

کارزار علیه نژادپرستی در سوئد

بقیه از صفحه اول

اطلاهیهای استقبال کرد و طی آن از هموطنان ایرانی دعوت به شرکت فعالانه در آن نمود. در این اطلاعیه آمده است:

«تنها طی چند هفته اخیر مهاجران و پناهندگان ساکن سوئد مورد ۱۴ تهاجم سازمان یافته از قبیل ترور، ضرب و جرح، حمله به کیوسکها و مغازه‌ها و مهاجران ساکن سوئد که خود قربانی رژیم‌های دیکتاتوری و ضد انسانی بوده و ناگزیر به این کشور پناه آورده‌اند، اکنون در برابر تهاجم گسترده و بیرحمانه باند‌های نژادپرست و نئونازیست با چشمانی نگران شاهد حوادثی هستند که امنیت جانی، مالی، شغلی و روحی آنها را بشدت به مخاطره انداخته است. گسترش ابعاد این تهاجمات ضد

انسانی نه تنها زندگی و امنیت پناهندگان و مهاجران، بلکه دستاوردهای دموکراتیک جامعه سوئد، دموکراسی، حقوق بشر و حکومت قانون را مورد دستبرد و تهدید جدی قرار داده است.

کمیته همبستگی برای دموکراسی در ایران هشدار می‌دهد که بی‌تفاوتی و انفعال دولت کارل بیلد در برابر گسترش هولناک ابعاد نژادپرستی، بی‌گناه‌ستیزی و نئونازیسم می‌تواند به یک بحران شدید اجتماعی منجر گردد. همبستگی مردم آزاده و احزاب دموکرات و انساندوست سوئد با پناهندگان که جلوه‌ای از همبستگی صرف نظر از رنگ پوست، ملیت، نژاد، زبان و مذهب است، مایه تقدیر و امیدواری است.

ولیکن هدم قاطعیت دولت کارل

بیلد در محکومیت همبستگی نژادپرستانه وی توجیهی به آن و هدم اتخاذ تدابیر ضروری مایه نگرانی و مورد سؤال است. به نظر ماتلاش در جهت صرفاً جنایی روانی نامیدن همبستگی نژادپرستانه تنها می‌تواند به رشد احزاب نژادپرست و گروه‌های فاشیستی و نئونازیستی کمک کند.»

حزب دموکرات کردستان ایران، سوئد  
کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن ایران، سوئد  
حزب دموکراتیک مردم ایران، سوئد  
سازمان فدایی ایران، سوئد  
سازمان فدائیان خلق ایران، سوئد  
سازمان فدائیان خلق ایران، سوئد  
اکثریت، سوئد

تاسیس سازمان

همکاری کشورهای ساحل دریای خزر

بقیه از صفحه اول

مقامات این جمهوری، قزاقستان نیز تمایل خود را برای عضویت کامل در اگو اعلام کرده است. افغانستان نیز خواستار عضویت در سازمان اگو شده است.

در بیانیه پایانی اجلاس که با عنوان «بیانیه تهران» انتشار یافته است، سران کشورهای عضو با اشاره به تحولات سالهای اخیر در پهنه جهان «پیشبرد اهداف اقتصادی و زیر بنائی اگو را با عنایت به نقش روز افزون اقتصاد در تعیین سیاستهای جهانی مورد تأیید قرار دادند» در این بیانیه هم چنین سران اگو از مشارکت «جامعه مسلمان ترک قبرس»، بدون ایراد خدشه به موضع هر یک از دول عضو و تلاشهای جاری برای حل و فصل نهائی مسئله قبرس طبق قطعنامه های مربوطه شورای امنیت سازمان ملل «استقبال شده است. این اقدام قطعاً با فشار ترکیه صورت گرفته است. برخلاف مقررات بین المللی و خود سازمان اگو، بخش شمالی قبرس به عنوان یک دولت بجز خود ترکیه از سوی هیچیک از کشورهای جهان برسمیت شناخته نشده است و طبعاً نمی‌تواند با اگو که اعضای آن کشورهای مستقل و عضو سازمان ملل هستند، وارد همکاری شود.

در خصوص همکاری با اگو اظهارات رفسنجانی در مصاحبه

با توافق ۵ کشور حاشیه دریای خزر ( ایران و جمهوریهای روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان ) سازمان منطقه‌ای جدیدی با نام «سازمان همکاری کشورهای حوزه دریای خزر» تاسیس شد. این توافق میان مقامات این کشورها در حاشیه اجلاس سران اگو در تهران حاصل شده است.

تشکیل این سازمان بنا به گفته مقامات جمهوری اسلامی از سوی ایران پیشنهاد شده است و قرار است نمایندگان ۵ کشور تا یکماه آینده، اجلاس کارشناسی خود را در تهران تشکیل دهند. بنا به گفته ولایتی کشتیرانی، -شلیات، حفظ محیط زیست، اکتشافات

نفت و بسیاری از همکاریهای اقتصادی و تجاری محور فعالیت های این سازمان جدید التاسیس خواهد بود.

اعلام موجودیت با هجله و تقریباً غیر مترقبه این سازمان پیش از تدارک کافی برای تدوین جغرافیای همکاری هامان اعضا قبل از هر چیز نشان رقابت حاد میان جمهوری اسلامی و ترکیه برای توسعه نفوذ خود در منطقه را بر خود دارد. یک هفته پیش از آن ترکیه نیز مبتکر اقدام مشابهی با کشورهای ساحل دریای سیاه بود. با این حال هر گامی که این سازمان در جهت توسعه مناسبات و همکاریهای فیمابین بردارد، بسود کشورهای عضو و صلح و ثبات منطقه خواهد بود.

اجلاس سران اگو

در تهران

بقیه از صفحه اول

مقامات این جمهوری، قزاقستان نیز تمایل خود را برای عضویت کامل در اگو اعلام کرده است. افغانستان نیز خواستار عضویت در سازمان اگو شده است.

در بیانیه پایانی اجلاس که با عنوان «بیانیه تهران» انتشار یافته است، سران کشورهای عضو با اشاره به تحولات سالهای اخیر در پهنه جهان «پیشبرد اهداف اقتصادی و زیر بنائی اگو را با عنایت به نقش روز افزون اقتصاد در تعیین سیاستهای جهانی مورد تأیید قرار دادند» در این بیانیه هم چنین سران اگو از مشارکت «جامعه مسلمان ترک قبرس»، بدون ایراد خدشه به موضع هر یک از دول عضو و تلاشهای جاری برای حل و فصل نهائی مسئله قبرس طبق قطعنامه های مربوطه شورای امنیت سازمان ملل «استقبال شده است. این اقدام قطعاً با فشار ترکیه صورت گرفته است. برخلاف مقررات بین المللی و خود سازمان اگو، بخش شمالی قبرس به عنوان یک دولت بجز خود ترکیه از سوی هیچیک از کشورهای جهان برسمیت شناخته نشده است و طبعاً نمی‌تواند با اگو که اعضای آن کشورهای مستقل و عضو سازمان ملل هستند، وارد همکاری شود.

در خصوص همکاری با اگو اظهارات رفسنجانی در مصاحبه

مطبوعاتی خود پیرامون مشارکت احتمالی ارمنستان مورد سوال جدی است. رفسنجانی در باره شرکت ارمنستان در اگو گفته است سازمان همکاری اقتصادی اگو هنوز این سیاست را روشن نکرده است که این سازمان مخصوص کشورهای مسلمان است و یا اینکه کشورهای غیر مسلمان نیز می‌توانند در آن عضو باشند. در حالیکه نه در اساسنامه سازمان موجود و نه در «مهدنامه امیر» که بنای سازمان همکاری اگو بر آن

استوار است قیدی در مورد مشروط بودن عضویت در اگو به مسلمان بودن آن کشور وجود ندارد

تلاش برای رنگ مذهبی یا قومی دادن به این نوع همکاری منطقه‌ای که در مورد اگو هنوز در سطح نازل قرار دارد، می‌تواند فعالیت آنرا هتیم و بجای همکاریهای متقابل سودمند بسود توسعه و پیشرفت کشورهای عضو، آنرا به کانون کشمکش های مذهبی قومی تبدیل کند:

سرحدی «بی‌گناه» در چنگال «استکبار»

گذرای سفارت سوئیس در ایران شد.

بنا به گزارشی که همزمان با دستگیری سرحدی بجرم شرکت در ترور دکتر بختیار و دستیار وی سروش کتیبه در پاریس منتشر شد، وی دارای چندین پاسپورت بوده است.

مقامات ایرانی دولت های سوئیس و فرانسه را از هواقب استرداد سرحدی به فرانسه بر حذر داشته بودند. بنظر می‌رسد تاخیر دوماه در اتخاذ تصمیم استرداد از سوی مقامات قضایی سوئیس بی‌ارتباط با این امر نبوده است.

طبق قوانین قضایی سوئیس ضیاء سرحدی می‌تواند تا یک ماه پس از اعلام حکم تقاضای تجدید نظر خود را

سرحدی به زودی تحویل مقامات قضایی فرانسه خواهد گردید. این خبر اواخر فوریه از سوی «دوما» وزیر امور خارجه فرانسه در اختیار خبرنگاران گذاشته شد. روز دوشنبه ۲۴ فوریه مقامات قضایی سوئیس تصمیم خود مبنی بر تحویل وی به فرانسه را اعلام کرده بودند.

رد ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر عضویت دیپلماتیک سرحدی از سوی دولت سوئیس موجب تیرگی روابط میان دو دولت در پس دستگیری سرحدی شده بود. بنا بگفته مقامات سوئیس نام سرحدی در فهرست اسامی دیپلماتهای ایرانی وجود نداشته است. تیرگی روابط میان تهران و برن در ادامه خود منجر به تعطیل

بقیه از صفحه اول

مجلس بزیان تندروها با گذارته است. این جانبنداری بر همین میزان نیز واکنش تند خطامامی‌ها را برانگیخته است و این احتمال هم اکنون قوت گرفته است که تندروها دست به اقدامات تند از جمله تحریم انتخابات دست بزنند. روزنامه سلام در واکنش تلویحی اما تند نسبت به حمایت آشکار خامنه‌ای بسود شورای نگهبان، اعلام کرده است که زیر بار چنین رفتاری از سوی ائتلاف حاکم نخواهند رفت. پیشتر از روزنامه سلام، گروهی در جلسه پرسش و پاسخی با حزب الله در تم گفته بود: «ما خدمت مقام معظم رهبری رسیدیم و عرض کردیم بنا داریم فعالانه در انتخابات شرکت نماییم. اما اگر شورای نگهبان بخواهد کار سیاسی انجام دهد و به نفع یا به ضرر یک جریان اقدامی نماید و یا با یک سری ابطال‌ها در زمان انتخابات اوضاع را بهم بزند ممکن است در انتخابات آینده شرکت نکنیم» و محتشمی گفته بود: «تحریم انتخابات بهتر تا آنکه ما را مانند انتخابات خبرنگاران کنار بگذارند.»

کاملاً روشن است که ائتلاف حاکم ایراد ضربات کاری به تند روها تدارک دیده است. موضع گیری خامنه‌ای بسود شورای نگهبان به این مسئله قطعیت داد. اما این ضربات تا چه حد شامل چه کسانی و کدام گرایش‌ها در میان خط امامی‌هاست هنوز چیزی روشن نیست. آنچه که مربوط به جناح رسالت و شورای نگهبان است آنها از محتشمی و خلخالی گرفته تا خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را نشان گرفته‌اند. تهدیدات خزعلی عضو شورای نگهبان در سخنرانی چندی پیش خود در اصفهان مصاد شورای نگهبان و رسالتی‌ها را کاملاً روشن ساخته است. خزعلی باین گفته که «تا جایی که قدرت دارم نمی‌گذارم افراد هوشی وارد مجلس شوند» هم امثال محتشمی را تهدید کرد و هم وزیر ارشاد را. اما همزمان با این تهدیدات خزعلی، رفسنجانی در ملاقات خود با وزیر ارشاد از سیاستهای این وزارتخانه و خاتمی حمایت کرد و خواستار ادامه سیاستهای وزارت ارشاد شد.

در هر حال آنچه که روشن است

دخالت نظامی ایران در سودان

تمامی نیروهای اپوزیسیون سودان میباید به فاصله زمانی کوتاها، پس از سفر رئیس جمهور ایران هاشمی رفسنجانی به خرطوم، پایتخت سودان، ۸ هزار سرباز ایرانی در یوبا منطقه میان کوستی و ملاکال مستقر گشته‌اند. طی هفته پس از استقرار این تعداد، ۱۰ هزار نظامی دیگر ایرانی مجهز به هواپیماهای جنگی، تانک و توپخانه وارد سودان گشته‌اند.

اعزام نظامیان ایرانی به سودان ادامه تلاش جمهوری اسلامی است در جهت صدور اسلام و حمایت از هم نظران خود در کشورهای دیگر. از طرف دیگر این اقدام جمهوری اسلامی یادآور دخالت نظامی ارتش شاهنشاهی در سرکوب جنبش طغران در همان است. اقدام به دخالت نظامی در امور داخلی کشورهای دیگر عملی است مخالف قوانین و شئون بین المللی.

گزارشات منتشر شده از سوی اپوزیسیون سودان حاکی از آن است که دو ماه گذشته در حدود ۱۸ هزار سرباز ایرانی در جنوب سودان مستقر شده‌اند. بنظر اپوزیسیون این امر نشانگر آن است که نیروهای نظامی دولتی تهاجمی اساسی علیه ارتش رهایی بخش خلق سودان (SPLA) را طرح می‌ریزند. بر اساس توضیح نامه تجمع دموکراسی ملی که در برگیرنده

# دلخواه به جای واقعیت

## شعار سرنگونی، برکناری، پایان دادن یعنی دلخواه را جای

### واقعیت نشانند، یعنی اراده‌گرایی

جوهری

مقدمه

دومین کنگره خارج از کشور در مورد خط‌مشی سیاسی، دارای ویژگی خاصی است. این ویژگی از یکطرف آدمی را خوشحال می‌کند از طرف دیگر مایوس، خوشحال از این بابت که درست یکسال قبل‌تر، در کنگره اول اکثریت قریب به اتفاق سازمان، بر خط‌مشی سیاسی صحنه گذاشت که در تمام زمینه‌ها، از چگونگی برخورد با رژیم جمهوری اسلامی، مسئله اتحادها، شیوه مبارزه، هویت سازمان تا مسئله ملی، در راستای اراده‌گرایانه و دلخواه را جای واقعیت نشانند، در راستای اندیشه‌های کلیشه‌ای قرار داشت و تحولات عظیم و حیرت آوری که طی یک‌دهه اخیر بویژه چند سال گذشته تمامی بشریت را تحت تاثیر قرار داد در درون سازمان جایگاه واقعی خود را یافته بود و کماکان اندیشه‌های کهنه‌سکنان سازمان شدن‌شورای مرکزی سابق در زمینه خط‌مشی سیاسی، حتی چپ‌تر از مواضع مصوبه کنگره اول، حرکت و موضع‌گیری نمود، مقالات و مواضع مندرج در نشریه کار و اکثریت طی فاصله دو کنگره آنچنان چپ، غیر منطقی و اراده‌گرایانه بود که این فکر در ذهن متبادر می‌شد که سازمان نسبت به گذشته یک گام به عقب برداشته و این روند با جریان واقعیت کاملاً متضاد بود. طی یکسال ضمن آنکه مقدار انرژی و توانی که برای برخورد با این خط‌ها صورت گرفت چندان زیاد نبود و انگشت شمار مقالاتی در این چارچوب در نشریه به چاپ رسید. اما جریان واقعیت عظیم‌تر از آن بود که بتوان براحتی از کنارش گذشت و نشانه بارز این تغییرات طی یکسال، نطفه‌های ایده‌ای را ایجاد نمود که ۳۹ درصد سازمان خارج از کشور با اندیشه‌های غیر واقعی و اراده‌گرایانه ناصح گرفت و این گام بزرگی در درون سازمان بود که برداشته شد و باید از بابت آن خوشحال بود.

ولی تاثیر آدمی از آنستکه سازمان نتوانسته از تجارب بزرگ یک‌دهه اخیر استفاده شایسته نماید. لنگ لنگان واقعیات را پذیرفتن، تاکنون ضربات جبران ناپذیری به آن وارد نموده بطوری که همین کنده‌کردن کردن و ندیدن واقعیت، سازمان را بدل به یک جریان کوچک و کم تاثیر هم در داخل و هم در خارج نموده است. در شرایطی که در خارج از کشور بحث و جدل در مورد تعداد داندان‌های اسب جریان دارد در داخل کشور دهان اسب را باز نموده‌اند و آن را شمرده‌اند و راه خود را پیدا کرده‌اند و نتیجه‌اش آن شده که سازمان‌های سیاسی خارج از کشور بویژه سازمان ما، در حال حاضر اثر گذاری‌شان در داخل کشور تقریباً به حد صفر رسیده. و این نتیجه عملکرد رهبران و جریاناتی است که از واقعیات و تجارب درس لازم را نگرفته‌اند.

### مدهیان شعار سرنگونی، پایان دادن چه می‌گویند

دوستان ما می‌گویند در جامعه دموکراسی و آزادی وجود ندارد. استبداد حاکم است و این رژیم ظرفیت تحول در مسیر دموکراتیک را ندارد برای برقراری حاکمیت مردم، باید مانع اصلی یعنی رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کرد و یا بطور مردم پسندانه‌تر به حاکمیت ج-۱ پایان داد. برای تصریح سیمای مسالمت جو و دموکراتیک خود، برای پایان دادن به حاکمیت ج-۱ حتی المقدور از طریق انتخابات آزاد و تاحد ممکن از اشکال مبارزات مسالمت آمیز استفاده می‌کنند و معتقدند مذاکره و اتحاد را از منسوخ اهداف دموکراتیک و مشی سیاسی پایان دادن به رژیم ج-۱ و استقرار دموکراسی به شکل جمهوری می‌ورمی‌دهند. بحث اصلی ما با دوستان طرفدار شعار پایان دادن در شرایط مشخص جامعه ما اینست که این شعار مقایر با آزادی است. مقایر با دموکراسی است. این شعار اساساً بارو شغای مسالمت آمیز فاصله دارد. این شعار اساساً میدان اتحادها را تنگ و کوچک می‌کند. در یک کلام این شعار در خدمت روشنگری مردم در خدمت آزادی و دموکراسی نیست.

دوستان طرفدار شعار پایان دادن می‌گویند: «شما باید به این سؤال پاسخ دهید که رژیم برود یا بماند ما می‌گوئیم رژیم باید برود و در این راستا مدعی هستنند که مخالفین شعار پایان دادن به جمهوری اسلامی برای تحقق اهداف خود یعنی استقرار دموکراسی و آزادی و حرکت در جهت تحقق عدالت اجتماعی به تحول از بالا، مبارزه برای تغییر از بالا و «مصلحه با رژیم» و «تنها چشم انداز واقعی را استجاله درون رژیم» اعتقاد دارند.

رفرمیستی، حقانیت خواهد یافت. فشرده کلام را دوستان آقای ف. تابان بیان نموده‌اند: «حساب اصلی مشی مصلحه بروی جناح آقای فسنجانی و اقدامات بظاهر رفرمیستی آن است و عهده‌های وی در باب اصلاحات و بازگشت مهاجرین به این مشی نیرو بخشید و موجب گردید که به صراحت سخن اصلی خود را بر زبان آورد!» اساساً چنین طرز تفکر و چنین زاویه برخورد با خط مشی سیاسی ما مغایرت دارد. ما سیاستمان را بر اساس اینکه رژیم ج-۱ استحاله پیدا می‌کند و آزادی و دموکراسی حتماً در آینده باید گسترش یابد قرار ندادیم. خط‌مشی سیاسی ما تنها با مسئله ماندن یا رفتن رژیم، گسترش یا محدودتر شدن آزادی‌ها تکیه ندارد، بلکه به‌اشافه فرهنگ دموکراسی، به حقانیت پلورالیسم سیاسی، به آزادی بیان و اندیشه، به حقانیت مرجعیت مردم و انتخابات آزاد، به برخورد واقع‌گرایانه با مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه و... متکی است همانطوری که در جلسات کنگره توسط چند تن از دوستانمان بیان شد این خط‌مشی سیاسی درست در اوج استبداد و خشونت در روزهای گذشتار زندانیان سیاسی در میان خون و آتش پایه‌ریزی گردیده در فضای گسترده‌تر شدن آزادیها.

بنابراین بر خلاف نظر دوستان ما، حتی اگر رژیم صدار مستبدتر از شرایط مشخص کنونی جهت گیری کند و حتی در جهت محدودتر کردن آزادی‌ها گام بردارد باز هم سیمای روشن سیاست رفرمیستی ما تغییری نخواهد یافت. البته رفرمیست‌ها از هرگونه رفرم کوچکی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در جهت رشد و ترقی اجتماعی، در جهت رفاه عمومی و کاهش مشکلات و مصائب مردم باشد استقبال می‌کنند اساساً میانی فکری رفرمیست‌ها بر روی تغییرات تدریجی چه در درون مردم و جامعه و چه در درون رژیم و نیروهای اپوزیسیون قرار دارد.

### مبارزه مسالمت‌آمیز در خدمت دموکراسی و آزادی است

دوستان طرفدار شعار پایان دادن در مورد شیوه مبارزه می‌گویند: «برای پایان دادن به حاکمیت ج-۱ حتی المقدور از طریق انتخابات آزاد و تاحد ممکن از اشکال مبارزات مسالمت‌آمیز استفاده می‌کنیم در صورت اعمال قهر و خشونت رژیم، اعمال قهر از طرف مردم امری که ما نمی‌دانیم»

برای بررسی نظریه دوستانمان باید تاریخ سازمان را در مورد شیوه مبارزه بیاد آوریم. «مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک» آغاز کرد. در روند خود به مبارزه مسلحانه توده‌ای گروید و پس از انقلاب در جریان وقایع کردستان و ترکمن صحرا در چارچوب مبارزه مسلحانه توده‌ای حرکت کرد و پس از آنکه در تابستان ۶۴ شعار سرنگونی به تصویب رسید در پلنوم فروردین ۶۵ اعلام نمود که سرنگونی جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت آن تنها از طریق مبارزه قهرآمیز توده‌ها امکان پذیر است و در روند خودش در کنگره اول خارج از کشور ضمن آنکه روی ناگزیر بودن مردم در نهایت به صورت قهرآمیز تکیه دارد در کنار آن انتخابات آزاد و تمایل سازمان به مبارزه مسالمت‌آمیز را یادآوری می‌کند و در کنگره دوم خارج از کشور، طرفداران شعار پایان دادن به فرمولبندی که در بالا به آن اشاره شد می‌رسند که در این فرمولبندی نسبت به کنگره اول تاکید بیشتری روی مبارزه مسالمت آمیز صورت می‌گیرد. اگر به عنوان یک ناظر بیطرف به این روند نگاه کنیم پیروسه حرکت در جهت مثبت است و در جهت فاصله گیری از انقلابیگری و ارداگرایی است و نزدیک شدن به واقعیت.

اما فرمولبندی دوستان کماکان آتشسته است به انقلابیگری، به تحلیل کلاماً فقط. ریشه این برخورد هم نشات گرفته از درک نادرست دوستانمان در مورد اینکه آماج اصلی برخوردشان را روی رژیم ج-۱ قرار می‌دهند و میخواهند از این زاویه اشتباه که رژیم باید برود به مسئله پاسخ دهند و بر این اساس آقای ف. تابان درباره مشی پایان دادن و شیوه مبارزه می‌نویسد: «مشی ما بر مبنای ارزیابی معینی از ایدئولوژی، ساختار، سیاست، قانون اساسی و شیوه‌های حکومت کردن جمهوری اسلامی قرار دارد و این رژیم را مانع اساسی تحقق دموکراسی بمثابه خواست بنیادین برنامه سیاسی ما می‌داند. بنابراین ارزیابی روند فکلی تحولات در کشور و چشم اندازهای آتی، تغییری در این واقعیت به وجود نمی‌آورد و امکان تحولی مثبت و قابل اتکاء در درون رژیم را نوید نمی‌دهد» و ایشان ادامه می‌دهند: «برای دستیابی به اهداف فوق و تحویل دموکراتیک در جامعه، طرفدار سازماندهی جنبش اعتراضی در اشکال متنوع آن است. هیچ شکل از مبارزه را مطلقاً یا محکوم نمیکنند و حق مردم در اعمال قهر متقابل علیه قهر و سرکوب رژیم را بر سهیمیت می‌شناسد»

آقای ف. تابان صورت مسئله اشتباهی را به میان می‌کشد و در نتیجه پاسخ فکلی به آن می‌دهند و از ما

هم انتظار دارند که به این سؤال از پایه و اساس فلت پاسخ دهیم و می‌گویند: «سند اقلیت کنگره این سؤال را بی پاسخ میگذارد که اگر علیرغم تمام کوششهای ما رژیم انتخابات آزاد را نپذیرفت چه باید کرد؟»

**شکست اراده‌گرایی در اندیشه و عمل**  
بنظر راقم این سطور، اراده‌گرایی در مقاله آقای ف. تابان بویژه در طرح این سوال و پاسخ به آن موج می‌زند. البته اراده‌گرایی در میان چپ‌ها و همین طور سازمان ما ریشه تاریخی دارد. آنانی که تادیروز اراده‌گرایانه می‌خواستند سوسیالیسم و کمونیسم را برقرار کنند و می‌کوشیدند اندیشه و اراده خود را تحقق بخشند قائل از آنکه حرکت اجتماعی آنطوری نیست که آدمها بتوانند ذهنیات خود را به عنوان فرمایشون اجتماعی بر جامعه تحمیل کنند نظام سرمایه‌داری برای خود ابتدا و انتهای دارد ولی انسان‌ها قادر نیستند آن را بطور تصنعی پایان دهند این پایان دادن باید به گونه‌ای طبیعی صورت پذیرد و انسان‌ها آگاه می‌توانند این روند را اندکی تسریع کنند. با توجه به اینکه طی چند سال گذشته اراده‌گرایی در میان چپ‌ها هم ریشه و هم در عمل باشکست روبرو شده اما همچنان جان سختی می‌کند و ریشه‌هایش در جان برخی از ما هنوز وجود دارد.

آیا این اراده‌گرایی نیست که دوستان مایک مسیرر پیچ و خم و طولانی مبارزه را ساده می‌کنند و آن را در پاسخ این سوال که اگر رژیم مرجعیت مردم و انتخابات آزاد را نپذیرفت و دست به اعمال خشونت زد موضع ما در قبال قهر متقابل مردم چیست؟ قرار می‌دهند دوران بحر العلومی فدائیان گذشت. دورانی که ما به تمام سؤالات، پاسخ، آنهم پاسخ درست داشتیم گذشت دوران ذهنیگری، انقلابیگری و اراده‌گرایی سپری شد. اگر وقایع شگرف و حیرت‌انگیزی که طی یک‌دهه اخیر در کشور ما و بویژه در جهان رخداد و اکثر قریب به اتفاق تحلیل‌گران سیاسی را مبهوت و گیج نمود مورد توجه دوستان ما قرار می‌گرفت تا این اندازه مسائل سیاسی را ساده نمی‌کردند که برای تمام روندهای آینده پاسخ داشته باشند. حتی مدعی پیش‌بینی لحظات استثنایی آینده هم شوند. تعجب آور است حداقل درس آموزی از خطاهای گذشته، باید ما را در جهت کنترل ذهنیگری و اراده‌گرایی در جهت برخورد دقیق و مسئولانه سمت میداد نه در سمت انقلابیگری.

### چرا حرکت در جهت فعالیت قانونی و هلنی؟ چرا مبارزه مسالمت‌آمیز؟

این سوال پیش می‌آید چرا حرکت در جهت فعالیت قانونی و هلنی را از اهم وظایف خودمان قرار داده‌ایم، چرا روی مسئله مسالمت آمیز بودن مبارزه تکیه می‌کنیم، این مشی، این ایده بر گرفته از چیست؟ استخوانبندی این مشی بر چه استوار است؟

اساس و پایه این مشی بر مردم و مردم دوستی قرار دارد اساس مشی می‌خواهد در بین مردم زیست نماید در کنار آنان باشد ریشه‌هایش را در ارتباط با مردم می‌بیند و آن شیوه از مبارزه را انتخاب نموده که امکان استبداد را برای قطع ارتباط نیروی آگاه و روشنفکر با مردم و جامعه را، به حداقل و شاید ناممکن می‌کند مشی رفرمیستی تیشه قطع ارتباط نیروی آگاه مردم از دست استبداد می‌گیرد روش رفرمیستی ضمن آنکه بر خلاف گفته آقای ف. تابان که هدف مشی رفرمیستی را «مبارزه برای تغییر از بالا» کم بها دادن به مبارزه مردم می‌داند، ما معتقدیم که مشی پایان دادن تیشه بدست استبداد می‌دهد تا ریشه‌های ارتباط مردم و نیروی آگاه را قطع نماید همچنانکه با سیاست‌های فلت گذشته اینکار را انجام داد. اندیشه‌ای که مسئله اصلی را کسب قدرت سیاسی می‌داند اندیشه‌ای که اساس تحلیل خود را روی پایان دادن به حاکمیت نظام قرار می‌دهد این اندیشه وقتی هم که می‌خواهد مبارزات مردم را سازماندهی نماید و به اصطلاح انتخابات آزاد را می‌پذیرد بخاطر آنستکه از این انتخابات برای برکناری و سرنگونی رژیم استفاده نماید. اساساً این اندیشه به مردم و حاکمیت مردم اعتقاد چندانی ندارد در صورتیکه مرجعیت مردم برای مشی رفرمیستی از اصول و پایه‌های اصلی آن به شمار می‌رود. در همین حال مشی رفرمیستی تغییرات مثبت و منفی رژیم جمهوری اسلامی را مدنظر دارد. هر تغییری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در جهت منافع مردم باشد مورد استقبال مشی رفرمیستی قرار می‌گیرد. زایش و شکوفایی مشی رفرمیستی بر گسترش بی‌عدالتی اجتماعی و گسترش استبداد بنا نشده است بلکه هر گامی در جهت منافع مردم برداشته شود راه‌های جدید و تازه‌ای برای پیشبرد اهداف ما

### کلام آخر

جستجوی حقیقت، جستجوی بی‌پایان آدمی است از زمانی که دنیا می‌آید تا وقتی که می‌میرد. اما آنکه بتیبه در صدمه ۹



# ۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد!

## زن ایرانی

وقتی صحبت از زنان و آزادی و معوله‌ای از این قبیل می‌شود، ناخودآگاه آدم فکر می‌کند، حتماً ۸ مارس، روز جهانی زن نزدیک است براستی که رسوم عجیبی داریم! حتماً باید ۸ مارس راجع به زن مقاله نوشت:

با فرارسیدن روز جهانی زن، هر نشریه‌ای، حتی نشریات رژیم، به فراخور حال خود چیزی در باره زن می‌نویسند و بدین ترتیب، خود را از شر این روز خلاص می‌کنند. در این میان نشریات ضد رژیم، هر سال به تکرار آیه وار حقوق برابر زن و مرد اکتفا می‌کنند و کمتر نشریه‌ای شجاعت ابراز دلایل واقعی بردگی زنان را دارد. بیشتر را باید در جایی فرو کرد که چرکین است. زن تحت ستم چند گانه است. اما کدام ستمها؟

### دولتهای مردسالار

در تمامی تاریخ ایران دولتهای مرد سالار بر ایران حکومت کرده‌اند و در نتیجه قوانین آنها نیز جز قوانین مردسالاری، نمی‌توانست باشد، تنها در آخراهای حکومت قاجار به خاطر رسوخ افکار نوین در محیطهای روشنفکری و روشنفکران زمره‌هایی در باره آزادی زنان بوجود آمد تا اینکه در زمان حکومت رضا شاه زنان از قید حجاب اجباری، البته قانوناً آزاد شدند. در این مرحله قدم اول برای آزادی زنان، برداشته شد، در حالی که هنوز مشکلات بسیاری در سر راه وجود داشت. زنان بسیاری در حد مهندس، دکتر، استاد، روزنامه نگار، شاعر، نویسنده، کارمند، کارگرو... ظاهر شدند در این دوره با وجود گامهای مثبت، هنوز قوانین نابرابر و مردسالار، وجود دیکتاتوری، و وضعیت بد اقتصادی، فرهنگ مردسالاری و دین اسلام، موانع عمده‌ای در این مسیر بودند. در این دوره با وجود تمامی تغییرات، اکثریت زنان در وضعیت سابق خویش به سر می‌برند.

### ستم مردان

ستمی که مردان به عنوان پدر و شوهر به زن ایرانی روا داشته‌اند و می‌دارند سخن جدیدی نیست، مرد ایرانی سالیان دراز است که بعنوان نان آور خانه به زن، بعنوان موجود زیر دست نگاه می‌کند و از وی در همه حال، انتظار حرف شنوی، اطاعت، کورکورانه و وفاداری دارد. زن برای مرد ایرانی، محلی برای خالی کردن عقده‌ها و کاستیهایش است، عقده حقارت، عقده ریاست، عقده‌های جنسی و خستگی ناشی از کار و... از طرفی خیال مرد تا حد زیادی راست است که زن پناهی به جز خانه مشترکشان ندارد و ناچار به ماندن است. می‌گویند در اروپا در صدها سال پیش از این، مردان از در صد طلاق در ایران است و از این نتیجه می‌گیرند که زن و مرد ایرانی با هم سازگارترند، بلکه سازگاری آنها به حساب کی؟ بهای این سازگاری را، زن ایرانی با مهر بر باد رفته خویش می‌پردازد. سوال اینجاست که آیا اگر زن ایرانی از لحاظ اقتصادی بتواند به سادگی یک زن اروپایی زندگی خود را تامین کند، آیا در صد طلاق به همین نسبت خواهد ماند؟ پاسخ این سوال یقیناً منفی است،

بسیارند زنان ایرانی که راهی به جز ماندن و تحمل کردن و یا بقولی سوختن و ساختن ندارند، طلاق برای آنها مغمومی به جز رها شدن در کوچه و خیابان و بی سرپناه شدن ندارد.

از دواج برای اکثریت بزرگی از زنان ایرانی، نه نتیجه انتخاب آنها، بلکه فرمان و خواست پدر است، پدر این رسالت را برای خود قائل است که دخترش را دست نخورده و باکره به ازدواج مردی در آورد و قبل از ازدواج پدر و مادر و برادران مامور مراقبت از دختران هستند تا آنان با مردان دیگر تماس نگیرند و آزادانه عشق را زندگی را تجربه نکنند، صفحه حوادث دیروز و امروز نشریات روزانه کشور ما، سراسر از خون دختران و زنان ایرانی رنگین است. زن در ایران، تنها برای ازدیاد نسل و مطبخ است، حق کار کردن تنها با رضایت شوهر امکان پذیر است. داشتن "دوست مرد" برای یک دختر ایرانی گناه بزرگ است در حالی که برای مردان، داشتن چندین دوست دختر حتی ایجاد وجهه می‌کند دوستی تعریف می‌کرد، در دوره دبیرستان، استاد از شاگردان پرسید اگر خواهر شما با پسری دوست شد چه می‌کنید؟ اکثر جوابها خشن، وحشیانه بود. هموما ضرب و شتم و اخراج او از خانه و در مواردی حتی قتل را عنوان کردند.

سپس، معلم پرسید آیا تاکنون دوست دختر داشته‌اید؟ اکثر با افتخاری محسوس جواب مثبت دارند و حتی چند نفری تاکید کردند، چند تا دارند. مردی که داشتن چند دوست دختر را برای خود مجاز و افتخار می‌داند، آیا چنین حقی را برای خواهر خویش نائل است؟

تحتیر و پایمال کردن حقوق انسانی زنان، پرونده سیاهی برای مردایران ساخته است.

### تقدیر و پایمال کردن حقوق

تقدیر و پایمال کردن حقوق انسانی زنان، پرونده سیاهی برای مردایران ساخته است.

تقدیر و پایمال کردن حقوق انسانی زنان، پرونده سیاهی برای مردایران ساخته است.

به درآید و احترام خود را نه تنبیه عنوان مادر و زن خانه، بلکه بعنوان یک انسان اجتماعی، در جامعه بازیابد.

اما متأسفانه روانشناسی اکثریت زنان ما، حکایت از آن دارد که ترجیح داده‌اند در زیر چتر حمایت مرد به عنوان عنصر قوی، سنگر بگیرند و بدین ترتیب هملا راه را برای مرد سالاری هموار کرده‌اند. این روحیه زنان قابل درک است، آنان همچون هر انسانی به احساس امنیت نیاز دارند، اما این احساس امنیت را باید قوانین مدون یک جامعه به زن بدهد، نه مرد بعنوان یک فرد. یک دولت لائیک و دمکرات می‌تواند زمینه را از لحاظ قوانین مدون، برای تغییر تدریجی روحیات مردم، فراهم کند. زمینه‌های اقتصادی، به کمک ثروت های طبیعی و استعداد و نیروی کار مردان و زنان ایرانی در دراز مدت می‌تواند زنان را در این مهم یاری دهد.

در چنین جامعه‌ای، استعداد زنان به جای هرز رفتن و مصرف کننده بودن، در جهت شکوفائی اقتصادی آزاد خواهد شد و مرد ایرانی از زیستن در کنار زن برابر حقوق و آزاد، که برده هیچ کس نیست، پشتیبان خواهد شد.

امروز، زنان و مردان ایرانی، که این زیستن برابر حقوق را در کنار هم تجربه می‌کنند سخت در اقلیتند، اما فرزای ایران و جهان در دست انسانهای برابر حقوق، بدون در نظر گرفتن جنسیت و نژاد است.

س. خرید بلژیک ۱۵-۱۱-۹۱

## بیاد آ زاده زن فروغ فرخراد

### پاسخ

چون سینه جای گوهر یکنای راستیت

زین رو بوج حادثه تنها نشسته‌ایم

مائیم... ما که طعنه زاهد شنیده‌ایم

مائیم... ما که جامه تقوی دریده‌ایم

زیرا درون جامه بجز پیکر فریب

زین هادیان راه حقیقت ندیده‌ایم!

آن آتشی که در دل ما شعله میکشد

گر در میان دامن شیخ او فتاده بود

دیگر بما که سوخته‌ایم از شرار عشق

نام گناهکاره رسوا! نداده بود

بگذار تا به طعنه بگویند مردمان

در گوش هم حکایت عشق مدام! ما

«هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق

ثبت است در جریده عالم دوام ما»



## ۸ مارس روز جهانی زن

### گرامی باد!

۸ مارس روز جهانی زن، روز بزرگداشت مقام والای زن در جامعه بشری را گرامی می‌داریم. ستم‌های پیدای بنیان وارده بر زن، ننگ بزرگ بشریت است. همانگونه که باید باور داشت که میزان رفاهیتی از قیودات ارتجاعی و زنجیرهای گران استبداد فکری انسان را در آزاد اندیشی آن نسبت به حقوق زن میتوان سنجید. ۸ مارس، فقط پرچم احترام به مقام زن و پرچم حبش علیه ستم

۸ مارس روز جهانی زن، پرچم آزادی و رفاهیتی همه جانبه انسان و بشریت از قید خرافات و استبداد است. این حقیقت بویژه در میهن ما مصنی پیدا کرده است. ۸ مارس را راجع بداریم و برای احقاق حقوق زنان هم میهنان از بند هر نوع ستم، مبارزه متحد علیه حکومت زن ستیز جمهوری اسلامی و علیه هر نوع قیودات ارتجاعی را پیش ببریم. گرامی باد ۸ مارس، روز جهانی زن!

## به احترام زن روشندل، طاهره قره‌العین

گر بتو افتدم نظر، چهره به چهره روبه رو شرح دهم غم ترا، نکته به نکته موبه مو از پی دیدن رخت، همچو صبا فساد ه ام خانه به خانه در به در، کوچه به کوچه گو به گو (۲۰) می‌رود از فراق تو، خون دل از دو دیده ام د جله به د جله یم به یم، چشمه به چشمه جوبه جوبه دور دهان تنگ تو، عارض غنبرین خطت غنچه به غنچه گل به گل، لاله به لاله بوبه بو ابرو و چشم و خال تو، صید نموده مرغ دل طبع به طبع و دل به دل، مهر به مهر و خوبه خو مهر ترا دل حزین، بافته بر قماش جان رشته به رشته نخ به نخ، تار به تار پو به پو در دل خویش (طاهره) گشت و ندید جز ترا صفحه به صفحه لا به لا، پرده به پرده توبه تو

## زنان و رژیم

به نوشته مطبوعات کشور اخیراً نخستین کنگره زن و فرهنگ اسلامی برگزار شده است. این کنگره از سوی حوزه علمیه خواهران قم (جامعه الزهرا) و با شرکت افرادی از حوزه‌ها و دانشگاههای کشور نمایندگان نهادهای مربوط به زنان تشکیل شده بود. رنسنجانی برای این کنگره پیامی فرستاد که توسط خانم حبیبی مشاور و در امور زنان قرائت گردید. آنچه از پیام رنسنجانی و مصاحبه دبیر این کنگره برمی‌آید شرکت زنان در هرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی در بین حکومتیان و نهادهای مربوط به زنان بیکی از موضوعات بحث تبدیل شده است. این مسئله بجهت برخورد جمهوری اسلامی نسبت به نقش اجتماعی زنان حائز اهمیت است. جمهوری اسلامی همواره از شرکت گسترده زنان در جریان انقلاب بهممن صحبت می‌کند و آنرا بعنوان یکی از مشخصه‌های جریان اسلامی بحساب می‌آورد. رنسنجانی در همین پیام می‌گوید "همان طور که در دوران اوج انقلاب اسلامی "زنان ما با حضورشان در دل ستمگران وحشت و در قلب مردم انقلابی قدرت و قوت آفریدند". این حقیقتی است که حضور گسترده زنان در مبارزه با رژیم، زمینه‌های مساعدی برای کندن اقتشار وسیعتری از زنان را از کنج خانه‌ها و شرکت فعالانه‌تر آنها در بنای جامعه بوجود آورده بود و این انرژی رها شده می‌توانست در نتیجه در صفحه ۹

# آسیای میانه وقفاز:

## فصل دوم یک بازی بزرگ

ترجمه از نیوزویک، سوم فوریه ۱۹۹۲

برای شکل دادن به هویت این منطقه مسابقه می‌دهند. پاکستان، عربستان سعودی و بازگران بسیار دیگری نیز برای کسب نفوذ، در این رقابت شرکت می‌کنند و این بازی بزرگ، تازه هنوز شروع شده است.

سرنوشت تحولات آسیای میانه برای ایران اهمیت زیادی دارد. اهمیت جمهوری‌های این منطقه در این جمهوری اسلامی، کمتر از آذربایجان نیست. اخیراً حسن حبیبی سخنگوی دولت رفسنجانی به طور غیرمستقیم تلاش‌های دولت ترکیه برای بسط نفوذ خود در جمهوری‌های سابق شوروی را

منتقدانه آمریکا نیوزویک فوریه خود را به آسیای میانه و قفقاز اختصاص داده است. این مجله در توضیح انتخاب این موضوع می‌نویسد: «فر بخش اعظم دو قرن اخیر، سرزمین‌های دور دست آسیای میانه، صفحه شطرنجی بودند که بر آن، مسکو امپراتوری خود را به سمت جنوب گسترش می‌داد. اکنون، رقابت جدیدی با اهداف بسیار بلندپروازانه آغاز شده است. ترکیه، یک دولت مستعمرانه طرفدار غرب، و ایران، یک جمهوری اسلامی بنیادگرا، با هم

مورد انتقاد قرار داد و گفت: «معلوم نیست که کسانی که دست به برخی اقدامات می‌زنند هدفشان مبارزه با چه چیزی است.»

نیوزویک از دیدگاه خود به بررسی مسائل آسیای میانه و آذربایجان پرداخته است و بدیهی است که تحلیل این نشریه آمریکایی، حالی از هیبت و نفوذ تأثیرات موضع سیاسی یک نشریه غربی نیست. اما به منظور انعکاس فاکت‌ها و حواصت مختلف امر پیرامون مسئله‌ای بسیار مهم برای ایران، ترجمه مقاله نیوزویک را چاپ می‌کنیم.

چندانی به رشد سریع ندارند، به سمت بخش دیگر رویاهای خود می‌لفزند: هویت اسلامی خود، اسلام، گرسنگی و سلاح‌های هسته‌ای، معجون بسیار انفجار آمیزی است. و این بازی بزرگ، تازه هنوز شروع شده است.

### جنگ اندیشه‌ها

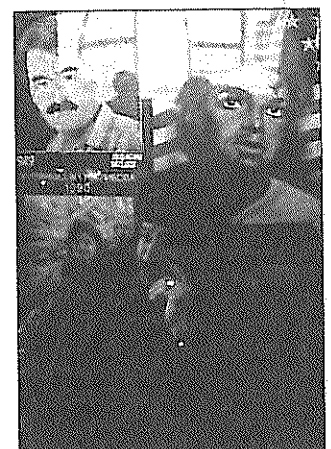
خارجی‌ها به دوشنبه، پایتخت تاجیکستان نو استقلال هجوم آورده‌اند. یک هیات از ایرانیان، اوایل ژانویه به دوشنبه رفت تا سفارتخانه‌ای را افتتاح کند. نخستین سفارت در این جمهوری سابق شوروی، یک هیات از ترک‌ها دو هفته پیش سروکله‌اش پیدا شد. آنها دنبال مکانی برای سفارت خود بودند. لیبیایی‌ها هم با کتاب سبز قذافی در دست، آمده‌اند. چینی‌ها و پاکستانی‌ها آمده‌اند تا درباره بازرگانی مذاکره کنند. لکیم کجوف، وزیر خارجه تاجیکستان، در دفتر خود در ساختمان زردرنگ پارلمان، با خوشحالی فهرست را مرور می‌کند و می‌گوید: «نوهی رقابت برای داشتن نزدیکترین روابط با ما وجود دارد. این را می‌شود احساس کرد.»

یک شب دیروقت، یک هیات چهار نفره مبلغان مسلمان از عربستان سعودی به فرودگاه تاشکند در ازبکستان می‌رسد. سعودی‌ها آمده‌اند تا کلام محمد پیامبر را بپراکنند. آنها به چند کارتون قرآن تازه از چاپ بیرون آمده مجهزند. اما مردم ازبکستان نیز مانع بسیاری دیگر از جمهوری‌های سابق شوروی، به نذرت مومند. چهار فرد سعودی قبل از اینکه از گرج بگذرند، به آرامی جیبه عقاب سنتی سفید و قرمز خود را از سر برمی‌دارند تا کمتر مظنون به نظر برسند.

در آسیای میانه و قفقاز، جمهوری‌های تازه رهایی‌یافته می‌خواهند القاب کیل را که روسها در دهه ۱۹۳۰ تحمیل کردند، منسوخ کنند. اما به جای آن باید از چه خطی استفاده کرد؟ تاجیکستان اعلام کرده است که القاب عربی را رایج خواهد کرد، و سعودی‌ها مشغولند که قرآن‌های عربی خود را به وسعت زیاد پخش کنند. در عین حال، ترکیه می‌خواهد به شهرهای چهار جمهوری ماشین تحریرهای لاتین بفروشد. یک مقام وزارت خارجه آمریکا می‌گوید: «این مسئله القاب، پوششی است

در گرفت، گسترش درگیری‌ها در امتداد خطوط جداکننده مذاهب، فرقه‌ها، اقوام و زبان‌های رقیب، ادامه داشته است.

بر پهنه این عرصه باستانی، رقابت جدیدی با اهداف بسیار بلندپروازانه آغاز شده است. آنجایی که در گذشته رقابت تنها بر سر بازارها، پنبه، مواد خام و گذرگاههای استراتژیک بود، اکنون جوایز احتمالی مسابقه عبارتند از سلاح‌های هسته‌ای و انبارهای اورانیوم فنی شده. زرادخانه سلاح‌های استراتژیک قزاقستان، اسم تحت کنترل جامعه مشترک المنافع گنبد است. اما آیا وجود روسیه، یک قدرت اصلی هسته‌ای در شمال،



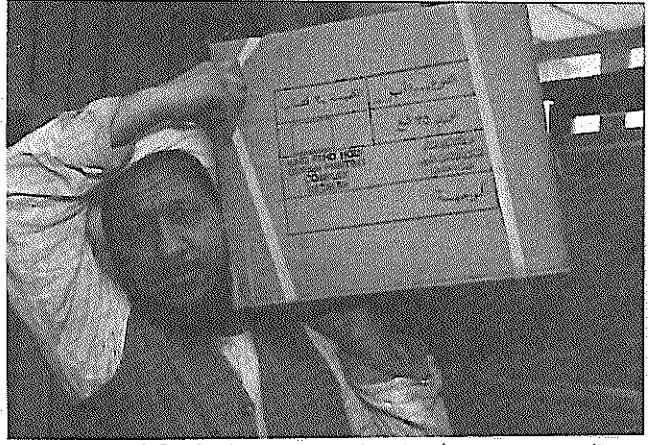
باکو: پوستر مایکل جکسون در کنار عکس زینب خانلروا

سلاح‌های هسته‌ای چین در شرق، قدرت هسته‌ای هند در جنوب و عملاً قدرت هسته‌ای پاکستان، رهبران قزاق دست کشیدن از زرادخانه خود را شرط عقل خواهند دانست؟ ترکیه و ایران به رقابت برای شکل دادن به هویت منطقه پرداخته‌اند. پاکستان، عربستان سعودی و بازگران بسیار دیگری نیز برای کسب نفوذ، در این مسابقه شرکت می‌جویند. ایالات متحده و اروپا هنوز در کنار بودند، اما به گفته پیترو هاپکرک، نویسنده چندین کتاب درباره تاریخ و توطئه‌های آسیای میانه، «نکر می‌کنم به انگیزه دفاع از خودم که شده، سرویس‌های جاسوسی غربی مایلند نوق العاده فعال باشند، اینک، این نوعی بازی بزرگ هسته‌ای است.»

این جمهوری‌های جدید، در موقعیتی قرار ندارند که بتوانند متحدانشان را خود برگزینند. اقتصاد آنها رو به افول و جمعیت‌شان در حال انفجار است. هلن گاردانکاس، استاد دانشگاه، می‌گوید این کشورها که امید

آسیای میانه، همواره سرزمینی غیرقابل اعتماد بوده است. سرزمینی که زلزله‌ها آن را می‌لرزاند و فاتحان، آن را به آتش کشیده‌اند. در شهرهای افسانه‌ای آن، خطوط شکاف‌های خطرناک - نه تنها خطوط زمین‌شناسی، بلکه همچنین شکاف‌های اجتماعی، سیاسی و مهمتر از همه مذهبی - به هم می‌رسند. تاشکند، سمرقند و بخارا، در مرکز آن شکاف عظیم میان اسلام و سایر تمدن‌ها قرار گرفته‌اند، شکافی که از خاورمیانه تا بالکان، از قفقاز تا ن سوی هندوکش را در بر می‌گیرد. در بخش اعظم دو قرن اخیر، این سرزمین‌های دور دست، صفحه شطرنجی بودند که بر آن، مسکو امپراتوری خود را به سمت جنوب گسترش می‌داد. رقیب واقعی روسیه، سایر قدرت‌های غربی بودند؛ نخست، بریتانیایی‌ها که از امپراتوری خود در هند در مقابل نقشه‌های تزاری دفاع می‌کردند، و سپس آمریکایی‌ها که با گسترش کمونیسم در ستنز بودند. اما رویایی‌ها، معمولاً غیرمستقیم بود و بازگران، از مهره‌های پیاده مسلمان منطقه بهره می‌گرفتند. به امرای بخارا، خوانین، راهزنان ازبک و مجاهدین افغان، رشوه میدادند، تحریکشان میکردند، به آنها اسلحه میدادند و گاه قربانی بازی‌های خونین‌شان می‌کردند. پیش‌می‌آمد که فرستاده روسیه را در تهران، او باش تکه تکه می‌کردند و در کابل، هیات بریتانیا را می‌کشتند. در عصر ویکتوریا، شهرهای دور دست مانند کاشغر و میادین جنگی نظیر گذرگاه خیبر، تیرهای روزنامه‌ها را تسخیر می‌کردند و داستان‌هایی مانند «کیم» و «مردی که می‌توانست شاه باشد»، بال‌های خیال را به پرواز در می‌آوردند. ماموران بریتانیا نام این ماجرا را «بازی بزرگ» گذاشته بودند. یک وزیر تزار آن را «مسابقه سایه‌ها» توصیف می‌کرد. و این بازی تا سه سال پیش، زمانی که نیروهای مسکو افغانستان را ترک کردند، در حقیقت به پایان نرسیده بود. سپس، تغییر همه قواعد آغاز شد. وقتی اسلاوهای مسکو، مینسک و کیف چشمان خود را به اروپا دوختند، بناگاه سرزمین‌های مسلمان فتح شده توسط تزارها به حال خود رها گشتند. از ۱۹۸۸، زمانی که جنگ میان آذربایجانی‌های مسلمان و ارمنی‌های مسیحی در قفقاز

منابع لازم است. پل گلوب، یکی از کارشناسان پیشین وزارت خارجه آمریکا امور ملیت‌های شوروی که اکنون در بنیاد کارنگی کار می‌کند، معتقد است که واشنگتن دچار خطاست اگر گمان کند ترکیه می‌تواند در برابر ایران وزنه‌ای باشد. وی می‌افزاید: «این کشورها خواستار کمک و تکنولوژی فرزند و می‌خواهند به جهان مدرن بپیوندند. آنها چیزی می‌خواهند که ترکیه نمی‌تواند بدهد، و تا وقتی هنوز به این امر علاقه دارند و در هایشان به روی ما گشوده است، ما نباید این فرصت را هدر دهیم.»



هرستان به جمهوری‌های سابق شوروی محموله‌های قرآن می‌فرستد

در میان مردم عادی جمهوری‌های پیشین شوروی، اندکند کسانی که خود را پیاده‌های یک صفح بزرگ و جدید شطرنج بدانند. از هم اکنون، آنها با قیمت‌های رو به افزایش، که نتیجه «درمان باشوک» اقتصادی تجویز شده از سوی مقامات است، دست و پنجه نرم می‌کنند. آنها بیش از هر زمان دیگر، به بازارهای آسیای میانه چشم دوخته‌اند، بازارهایی که با کنار رفتن دست سنگین اقتصاد فرماندهی مسکو، نبض آنها شروع به زدن کرده است.

### روتن بازارها

در دوشنبه، حدود ده هزار نفر برای چانه زدن بر سر خرید مجموعه درهمی از کالا در بازار کیپ روزم، واقع در دشت پهنای پای سلسله جبال مرتفع پاییز، گرد می‌آیند. زنان تاجیک با پیراهن‌های گل‌رنگ و شلوارها رنگارنگ، به دستفروشی عبا‌های خود بافته مشغولند. بعضی از آنها مطابق یک سنت دیرین آسیای میانه، بامداد بروهای خود را به هم وصل کرده و از آن یک خط افقی پیوسته ساخته‌اند. زنان موپور روس، جوراب شلواری شال پشمی دستباف و لباس بچه می‌فروشند. در یک ضلع بازار، گلیم‌های حیایی رنگ ساخت ترکمنستان روی نرده‌ای آویزانند. زنان توهمند مسلمان، با قاشق‌های بزرگ دیگ‌های آش‌رشته را به هم می‌زنند. از دیگ‌ها در هوای زمستان، بخار برمی‌خیزد. بلندگوهایی با صدای جیغ مانند، موسیقی راک غربی و پاپ کشورهای اسلامی را پخش می‌کنند.

برای فروشندگان بازار، بازی بزرگ این است که با ادعای داشتن رابطه با خارج، مشتری جلب کنند. یک تاجیک که بلوز زرق و برق‌داری با بسته بندی پلاستیک در دست دارد، می‌گوید: «این مال ترکیه است. صد دلار قیمت دارد، اما برای شما، فقط ۵۰ دلار!» در ویتروین‌های زهوادررفته، چای و خمیردندان هندی، ادکلن فرانسوی، گرمکن‌های پشمی

### سعودی‌های دست و دل باز

هرستان سعودی برای اینکه از قافله عقب نماند تقریباً یک میلیارد دلار در آسیای میانه سرمایه‌گذاری کرده است. در مسجد باستانی اسماعیل بخاری



سمرقند، یک روحانی از یک می‌گوید هیات‌های سعودی از ۱۹۹۰ بدین سو کمک‌های خود را افزایش داده‌اند. وی می‌افزاید: «مادر سال ۱۹۸۹ تنها یک خوابگاه داشتیم. اکنون مشغول ساختن خوابگاه‌های جدید برای میهمانان هستیم.» عربستان سعودی همچنین ۷ میلیون دلار به کمیته امور مذهبی در تاشکند برای مطالعات اسلامی کمک کرده، پرداخت حقوق سی معلم تعلیمات دینی در دوشنبه را به عهده گرفته و حداقل دو کامپیوتر با برنامه‌های عربی زبان را به روحانیون عالی‌رتبه تاجیکستان داده است. و با یک اسلامی که مقر آن در عربستان سعودی است سرگرم بررسی پرداخت یک وام سیصد هزار دلاری جهت ساختن خوابگاه برای مدارس علمیه است. این دست و دل بازی سعودی‌ها، تأثیر خود را گذاشته است. تا دو سال پیش در تاجیکستان تنها ۱۸ مسجد وجود داشت. امروز به گفته مقامات مسلمان تعداد مساجد تاجیکستان به بیش از ۲۵۰۰ می‌رسد.

هنوز تعداد اندکی از مسلمانان آسیای میانه گرایش به پیروی از مشی ستیزه‌جویانه اسلامی دارند. قاضی اکبر تراجون زودا، رهبر مذهبی رسمی تاجیکستان، لحن معتدلی دارد. او می‌گوید: «رشد جامعه مستلزم داشتن بخش خصوصی و آزادی بیان است نه اینکه فقط به مسجد برویم.» قاضی طرفدار اعلام تاجیکستان به عنوان دولت اسلامی نیست. او می‌گوید: «صرف افزودن واژه اسلامی به نام جمهوری ما، راه چاره نیست.» در واقع، بسیاری از تاجیک‌ها با سوه‌ظن به اسلام رادیکال می‌نگرند. یکی از ساکنان دوشنبه می‌گوید: «مردم، بویژه زنان، پس از ۷۰ سال دوری از اسلام، هنوز از مذهب می‌ترسند.»

یک نگرانی حائل‌تر در جمهوری‌های حاشیه جنوبی آسیای میانه این است که بحران افغانستان امروز سرریز شود و دامن آنها را نیز بگیرد. افغانستان که با جناح‌های متخاصم، درگیری‌های قومی و فلاکت اقتصادی دست به گریبان است، چندان نقش یک بازیگر منطقه‌ای را ایفا نمی‌کند. اما یک کابوس برای آسیای میانه است که دخالت قدرت‌های رقیب خارجی، وضع آن را بدتر کرده است. مسکو و واشنگتن کمک به متحدان خود در افغانستان را قطع کرده‌اند. اما عربستان سعودی و پاکستان کماکان از چریک‌های افراطی بنیادگرا مانند گلبدین حکمت‌یار و جلال‌الدین حقانی حمایت می‌کنند. و ایران از حداقل یازده گروه شورشی شیعه پشتیبانی به عمل می‌آورد.

بسیاری از مردم آسیای میانه، عاصی از دهها سال سرکوب شوروی، به‌طور فزینگی طرفدار مجاهدین ضد شوروی افغانستانند. حدود ۱/۶ میلیون ازبک، از جمله یک رهبر چریک‌ها بنام آزادی‌بگ، در افغانستان زندگی می‌کنند. گفته می‌شود او و پیروانش به هواداران خود در آسیای میانه اسلحه داده‌اند. مذهب آنها این است که اهالی ترک نژاد شمال افغانستان، ازبکستان و ترکمنستان را در یک دولت مستقل اسلامی متحد کنند. در تاجیکستان، برخی روشنفکران از هم اکنون سخن از «ترکستان بزرگ» به میان آورده‌اند که به عقیده آنها مناطق تاجیک شمال افغانستان را محاصره کرده است. در کرگان طیوبه، در نزدیکی مرز، یک آخوند به شدت ضد مسکو

پیوندهای مستحکم با مجاهدین افغان دارد و حتی تاجیک‌های میانه رو از احمدشاه مسعود که یک فرمانده تاجیک در شمال شرقی افغانستان است، با فرور نام می‌برند.

خاورمیانه عربی، تأثیر مغناطیسی خاص خود را بر آسیای میانه می‌گذارد. محمد صدیق محمد یوسف، مفتی اعظم تاشکند، آموزش مذهبی خود را در لیبی دیده است. در ژوئن ۱۹۹۰، غوغا هدایت‌اف مورخ اهل تاشکند طی یک دیدار رسمی از عراق با صدام حسین ملاقات کرد. هدایت‌اف مورخ اهل تاشکند طی یک دیدار رسمی از عراق با صدام حسین ملاقات کرد. هدایت‌اف به خاطر دارد که هنگام صرف شام، رهبر عراق درباره تولید ابریشم مشهور ازبکستان پرسید. این جمهوری در گذشته بخش اعظم ابریشم مورد نیاز چترهای نظامی شوروی را تأمین می‌کرد. صدام به هدایت‌اف گفته است: «هر چه نفت بخواهید می‌دهم. فقط ابریشم‌تان را به من بدهید.» وقتی هدایت‌اف دلیل آن را پرسیده، صدام پاسخ داده است: «برای چتر بازهایی که می‌خواهم در بیت المقدس پیاده کنم.»

**زنان روینداز**

مبلغان سعودی و ایرانی در روستاها بیشتر از شهرها فعالیت می‌کنند. زیرا انتشار شهری گرایش کمتری به اسلام دارند. دره فرغانه که میان ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان تقسیم می‌شود، کانون اسلام ستیزه‌جو است. در آنجا، روحانیون رادیکالی از مهاجرت می‌گریزند. یک گرایش محافظه کارانه اسلام که ریشه در عربستان دارد، هواداری می‌کنند. یک دیپلمات فریبی در مسکو می‌گوید: «به نظر می‌رسد آنها از سعودی موافق می‌گیرند.» در این دره، زنان چهره خود را با روپوش می‌پوشانند. منظره‌ای که در اتحاد شوروی سابق به ندرت دیده می‌شد. تاریخ اخیر فرغانه را لکه‌های خون آلوده است. در سال ۱۹۹۰، ازبک‌ها و ترک‌ها درگیر شدند که در نتیجه، صد نفر به قتل رسیدند. همچنین در سال قبل از آن، ازبک‌ها با ترک‌ها درگیری داشتند و آنها را از خانه‌های خود در این دره گرانند. در فضای جدید تصب ناسیونالیستی، سایر گروه‌های قومی یک شبح سنتی را از تاریخ‌خانه بیرون آورده‌اند: «شووینیسیم ازبک». یک دیپلمات خارجی در مسکو می‌گوید: «هیچ کس به ازبک‌ها اعتماد ندارد. میان آنها و سایر اقوام، پتانسیل درگیری هست.» منطقه، آستان حوادث است. از این رو، بسیاری از روس‌ها از آسیای میانه گریخته‌اند. این امر مسئله ایجاد کرده است زیرا روس‌ها در سمت‌های کلیدی فنی و حرفه‌ای کار می‌کنند و همه چیز، از نیروگاه‌های آبی و ایستگاه‌های تبدیل انرژی تا خدمات پزشکی، به کمک آنها اداره می‌شود. اگر فرار روس‌ها ادامه یابد، به عقیده یک روشنفکر اهل تاشکند، وضعیت ممکن است «مثل آنگولا» بشود. صنعتی پس از استقلال تولید صنعتی روبه کاهش ناگهانی گذاشت. بسیاری از شهرنشینان آسیای میانه با کابوس یک حمام خود در صورت خروج نیروهای روسی مواجهند. یک روس نگران در تاشکند پیش‌بینی می‌کند: «اگر ارتش تصمیم به ترک اینجا و رفتن به روسیه بگیرد، انبوه مجاهدین از آن سوی مرز خواهند

آمد. جنگ، صدار شدیدتر از جنگ ایران و عراق خواهد بود.»

**پیوندهایی که گسستن**

**رادشوار میکند**

در مسکو روس‌ها از بازی بزرگی که در حیاط خلوتشان آغاز شده است، کمتر نگرانی احساس می‌کنند. کارشناسان مسائل منطقه، احتمال گسستن پنج جمهوری مسلمان آسیای میانه از جامعه مشترک المنافع جدید کشورهای مستقل را که تحت نفوذ روسیه است، زیاد نمی‌دانند. مقامات روسیه بر آنند که به لحاظ اقتصادی، آسیای میانه فقیرتر و به نظام اقتصادی و تجاری شوروی سابق وابسته‌تر از آنند که راه جدایی را در پیش بگیرند و به لحاظ سیاسی، بیش از آن اختلاف دارند که بتوانند در یک بلوک منسجم به هم بپیوندند. کارشناسان روس معتقدند که از این مهم‌تر، فروپاشی اتحاد شوروی و پیدایش جامعه دولت‌های مستقل به جای آن، به نفع تقویت مواضع میانه‌روهای آسیای میانه خواهد بود که می‌خواهند پیوندها با روسیه را حفظ کنند. ولادیمیر اسکوسیرف، یک کارشناس امور منطقه، اخیراً در ایزوستیا نوشت: «مسکو دیگر هم‌دهار نقش مرکز امپراتوری نیست که به زور، مناطق دوردست و سرکش را در چارچوب اتحاد نگه می‌داشت. عامل نیرومندی که مسلمانان را به آغوش افراطیون می‌راند، به تدریج محو خواهد شد.» اگر آنگونه که روس‌ها گمان می‌کنند در مورد تعدید افراطی‌گری اسلامی در آسیای میانه افراق شده است، شاید ترس از سلاح‌های هسته‌ای کنترل نشده نیز افراق‌آمیز باشد. به گزارش منابع اطلاعاتی آمریکا، تنها و این سلاح‌ها، تسلیحات دوربرد و استراتژیکی هستند که کنترل آنها در دست یک مرجع مرکزی در مسکو است. به گزارش یک منبع عالی‌رتبه وزارت خارجه در واشنگتن، هیچ یک از سلاح‌های متحرک و به آسانی قابل فروش هسته‌ای تاکتیکی -مانند توپخانه، مین و موشک‌های برد کوتاه - در دولت‌های پنج‌گانه آسیای میانه باقی نمانده است. همچنین، هیچ یک از این سلاح‌ها در کشورهای به شدت ناآرام قفقاز - آذربایجان، گرجستان و ارمنستان - نمانده است. مقامات آمریکایی معتقدند نه ناآرامی داخلی و نه احتمالاً رژیم‌های دشمن غرب در این کشورها، خطر تعدید هسته‌ای یا گسترش سلاح‌های هسته‌ای را در نخواهد داشت.

پرسش اصلی این است که نقش ایران در آسیای میانه چیست؟ مقامات ایالات متحده می‌گویند ایرانی‌ها مشغول تأسیس سفارتخانه در همه جمهوری‌های سابق شوروی و مذاکره با آنها در مورد موافقت‌نامه‌های تجاری‌اند. گفته می‌شود آذربایجان و ایران در مورد احداث یک خط لوله نفتی از آذربایجان به سمت جنوب تایلند (فارس) از طریق ایران به توافق رسیده‌اند. یک مقام وزارت خارجه ایالات متحده می‌گوید ایرانی‌ها بدنبال توافق مشابهی با ترکمنستان برای انتقال گاز طبیعی‌اند. به‌طور بالقوه، این امر بخش بزرگتری از ذخایر نفتی جهان را تا حدی تحت نفوذ ایران قرار خواهد داد. علاوه بر این، ایران به جمهوری‌های آسیای میانه به مثابه زمین پر بار و

آمارتی درباره پنج جمهوری آسیای میانه

نام جمهوری	جمعیت	ترکیب جمعیت	وضعیت فعلی در چند کلمه
ازبکستان	۱۹/۸ میلیون نفر	۷۱ درصد ازبک، ۸ درصد روس، ۲۱ درصد سایر ملیت‌ها	اخیراً شاهد درگیری‌های ناشی از کمبود مواد غذایی بود.
قرقیزستان	۱۶/۴ میلیون نفر	۴۰ درصد قزاق، ۳۸ درصد روس، ۲۲ درصد سایر ملیت‌ها	درصد بالای روس‌ها و زرادخانه هسته‌ای، بر اهمیت این جمهوری افزوده است.
قرقیزستان	۴/۳ میلیون نفر	۵۲ درصد قرقیز، ۲۱ درصد روس، ۲۷ درصد سایر ملیت‌ها	دمکراتیک‌ترین جمهوری منطقه، اصلاحات در اینجا بیش از سایر جمهوری‌ها پیش‌رفته است.
ترکمنستان	۳/۵ میلیون نفر	۷۲ درصد ترکمن، ۱۰ درصد روس، ۱۸ درصد سایر ملیت‌ها	کشوری فقیر که بخش بزرگی از آن صحراست، جمعیت کم و عدم آغاز روند اصلاحات از مشخصات آن است.
تاجیکستان	۵/۱ میلیون نفر	۶۲ درصد تاجیک، ۸ درصد روس، ۳۰ درصد سایر ملیت‌ها	حکومت تاجیکستان هنوز در دست مقامات بجا مانده از دوره برژنف است. تاجیکستان پیوندهای قومی نزدیکی با ایران دارد.

دست نخورده‌ای برای گسترش نفوذ ایران می‌نگرد. این بویژه در حالی است که ائتلاف دولت‌های غربی و غرب پس از جنگ خلیج، در عمل توانسته است جلوی ایغای نقش‌کنندگی در خاور میانه از سوی ایران را بگیرد. شیرین هانتر، یک کارشناس خاورمیانه در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی واشنگتن، می‌گوید: «ایرانی‌ها احساس می‌کنند محاصره شده‌اند و به شدت مورد تهدیدند، و کاملاً طبیعی است که بدنبال کسب نفوذ در کشورهای جدید در همسایگی شمال خود باشند.»

چیزی که کمتر روشن است این است که ایران تا چه حد می‌خواهد انقلاب اسلامی به سبک خود را به آسیای میانه صادر کند. هانتر معتقد است در پراکندن ترس از اینگونه اهداف، کاملاً افراط شده است. او می‌گوید: «حال که اتحاد شوروی دیگر نمی‌تواند نقش شیطان را ایفا کند، دنیا تصمیم گرفته است این نقش را به ایران واگذارد. ایران نمی‌خواهد در این بخش از جهان، ناآرامی ایجاد کند، بلکه می‌کوشد تا جلوی آن را بگیرد. اما اعراب کشورهای خلیج، نظری دارند که بسیار کمتر خوش‌بینانه است. یک دیپلمات اهل خلیج می‌گوید: «ایران به هیچ چیز بیش از داشتن پنج ایران کوچک در شمال خود که کاملاً تحت کنترل خودش باشد، علاقه ندارد. آنها گمان می‌کنند با داشتن این پایگاه خواهند توانست انقلاب خود را به سمت جنوب فریبی با کنند.» یک کارشناس فریبی با این نظر موافق است و می‌گوید: «ایران می‌خواهد این منطقه را به پشت جبهه‌ای برای گسترش قدرت خود تبدیل کند، به منبع مواد خام و نیروی انسانی، به پایگاه سیاسی برای بنیادگرایی رادیکال به سبک خود. ایران می‌خواهد بنیادگرایی را به همه جهان مسلمان صادر کند.»

مورتون آبرامووتیس، سفیر پیشین آمریکا در ترکیه که اینک رئیس بنیاد کارنگی است، معتقد است آنچه مردم آسیای میانه و آنها طالب آن هستند، یک زندگی بهتر است. وی می‌گوید: «ایرانی‌ها در این منطقه، بویژه در کشورهای آسیای میانه، اقتصاد خود را بهبود بخشند، حیثیت چندان ندارند. جای انکار نیست که در جهان اسلام، یک عنصر بنیادگرا وجود دارد که احساس رسالت می‌کند و ممکن است با مقاصد توسعه‌طلبانه ایران همراه شود، اما گمان نمی‌کنم

آینده از آن این عنصر باشد. به اعتقاد من در درازمدت نیروهای متجدد در جهان اسلام بسیار نیرومندتر خواهند بود زیرا چیزهای بسیار بیشتری برای عرضه به مردم دارند. اما نیروهای جدید دولت‌های همواره چنین منطقی عمل نمی‌کنند. در تحلیل نهایی، واشنگتن نمی‌تواند آسیای میانه را خارج از دستور کار خود نگه دارد، آن هم بدنبال گذشته‌ای نزدیک که در آن پای واشنگتن به بحرانی در افغان‌تان و رویارویی‌های پیاپی با ایران کشیده شده است. اکنون آسیای میانه آرام است، اما بخش اعظم اقشار حاکم آنجا را بوروکرات‌های حزب کمونیست منصوب مسکو تشکیل می‌دهند. سنت دمکراسی در منطقه ریشه‌های عمیقی ندارد، و اگر انتخابات همراه با رقابت برگزار شود، نیروهای بنیادگرایی که بسیار بیشتر در معرض اعمال نفوذ ایران یا رادیکال‌های دیگر خواهند بود، از رقبای اصلی خواهند بود. مانند الجزایر، کشور دیگری که تحت اداره یک قشر فرسوده مستبد، هر چه عمیق‌تر در فقر فرو می‌رود، در آسیای میانه نیز نباید بنیادگرایان را دست کم گرفت. بدیهی است که این دیدگاه، بدبینانه است. اما در بازی بزرگ جدید، بازیگران کسانی خواهند بود که بیش از حد به پیروزی خود مطمئن باشند

**الگوی ترکیه**

هفته گذشته ترکیه برای اینکه نخستین کشور دارای نماینده‌ای در حد سفیر در جمهوری جدید آذربایجان باشد، با ایران مسابقه داد و با فاصله کوتاهی برنده شد. قبل از این به نظر می‌رسید که ترک‌ها با رقیب خود فاصله زیادی دارند. اما آلتان کرمان اوغلو دوشنبه گذشته درست در آستانه تسلیم اعتبارنامه خود به ایاز مطلب‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان، افتاد و پایش شکست، در نتیجه مجبور شدند با هوپیمایا و را برای معالجه به ترکیه برگردانند. دولت ترکیه در یک واکنش سریع یک دیپلمات عالی رتبه دیگر را به باکو مرکز آذربایجان فرستاد تا به جای کرمان اوغلو اعتبارنامه را تسلیم کند. این تاکتیک باعث شد که ترک‌ها از ایرانی‌ها جلو بیافتند و در میان دیپلمات‌های معین آذربایجان نقش «مقدم‌السفرا» را از آن خود کنند.

ماجرای هفته گذشته باکو، تنها جدیدترین فصل مبارزه بسیار جدی میان ترکیه و ایران بر سر قدرت و نفوذ در زنجیره جمهوری‌های دارای اکثریت مسلمان در حاشیه جنوبی جامعه مشترک المنافع جدید دولت‌های مستقل بود. ترکیه خود را الگوی یک اسلام امروزی و انعطاف‌پذیر بر پایه دمکراسی، اقتصاد بازار آزاد و جدایی واقعی روحانیت و حکومت معرفی می‌کند و تا به حال به نظر می‌رسد که ترکیه برنده بوده است. طرف هشت هفته گذشته، تورگوت اوزال رئیس‌جمهور ترکیه قراردادهای اقتصادی و فرهنگی با جمهوری‌های قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان در آسیای میانه و آذربایجان در قفقاز امضا کرده است. روسای چند جمهوری با کلمات شاعرانه «الگوی ترکیه» را ستوده‌اند. اسلام‌گرایان ترکیه است: «من به جهان اعلام می‌کنم کشورم در راه ترکیه به پیش خواهد رفت.» نور سلطان نظربایف رئیس‌جمهور قزاقستان اخیر اعلام کرد: «ما می‌خواهیم بازار آزاد ایجاد کنیم، و تنها الگویی که داریم ترکیه است.» عسگر آقایف رئیس‌جمهور قرقیزستان گوی سبقت را از این دو نفر هم روید و گفت: «ترکیه، ستاره راهنمایی است که راه جمهوری‌های ترک را روشن می‌کند.»

این شور و شوق زمینه‌های تاریخی، زبانی و فرهنگی دارد. جمعیت ۵۷ میلیون نفری پنج کشور جدید، به لحاظ اصل و نسب ترک‌اند و از اخلاف فاتحان مغول محسوب می‌شوند که ۷۰۰ سال پیش آسیا را در نور دیدند. همه آنها به لهجه‌های گوناگون زبان ترکی سخن می‌گویند. ترک‌ها و آذربایجانی‌ها به سادگی زبان یکدیگر را می‌فهمند. زبان‌های ترکی و ازبکی همانقدر شباهت دارند که دانمارکی و سوئدی، یا فلان‌ها و آلمانی. به غیر از آذربایجانی‌ها، جمهوری‌های نواستقلال پیرو مذهب سنی، یعنی شکل معتدل‌تر اسلامند که مذهب ترک‌هاست و نه مذهب سخت‌گیرتر شیعه که در ایران رایج است. مهمتر از همه، ملت‌های فقیر و عقب‌مانده آسیای میانه به ترک‌ها به مثابه برادران بزرگ و موفق می‌نگرند که توانسته‌اند اقتصادی پویا و

شکوفای بر پایه آمیزه‌های روحیه کسب، دموکراسی و جدایی دین و سیاست بسازند.

ترکیه هفتاد سال به بستگان و همسایگان ترک خود پشت کرده بود. کمال آتاتورک که در سال ۱۹۲۳ دولت امروزی ترکیه را بنیاد گذاشت، تمایلات توسعه طلبانه اسلاف عثمانی جانشینان او پیوسته هر گونه پان ترکیسم را خطرناک و حتی جنایتکارانه اعلام می‌کردند. اما موقعیت جدید در آسیای میانه و قفقاز، رفتار ترکیه را از اساس متحول کرده است. یک دیپلمات قریبی در آنکارا می‌گوید: "ترکیه از این که مورد تحسین قرار می‌گیرند لذت می‌برند. یالماست که در اروپا و ناتو به آنها از بالا می‌نگرند. آنها اکنون تبدیل به الگو شده‌اند، و عاشق این نقشند."

ترک‌ها خود را با تمام وجود وقف ایفای نقش جدیدشان کرده‌اند و به چند موفقیت مهم دست یافته‌اند. اوایل این ماه، دولت آذربایجان تصمیم گرفت الفبای کریل را که در سال ۱۹۳۷ توسط مسکو تحویل شد، کنار بگذارد و الفبای لاتین را که از دهه ۱۹۲۰ در ترکیه مورد استفاده قرار می‌گیرد، رایج کند. جمهوری‌های جدید با نظارت موسسه استاندارد ترکیه سرگرم بحث درباره ایجاد واحد پول، سیستم اندازه‌گیری و پرچم‌های مشترک و نیز الفبای مشترکند. بازرگانان از یک و قزاق در شرکت‌های استانبول دوره دیده‌اند، و صدها دانشجو در سال آینده به دانشگاه‌های ترکیه خواهند رفت.

در حالیکه آنکارا هنوز با تاکید منکر داشتن هر گونه جاه طلبی سیاسی در منطقه است، رؤس نوئی جامعه مشترک المنافع ترکی شکل می‌گیرد. ترکیه به شدت در تلاش است تا آذربایجان و جمهوری‌های آسیای میانه به سازمان ملل، کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا و سایر سازمان‌های بین‌المللی پذیرفته شوند و در آنجا یک بلوک نیرومند ترک ایجاد کنند. طراحان وزارت خارجه ترکیه پیش‌بینی می‌کنند که دو منطقه تجارت آزاد، یکی برای ساحل دریای سیاه و دیگری برای آسیای میانه ایجاد شود و ترکیه حلقه واسطین دو حوزه باشد.

برخی بازرگانان همده ترکیه، آذربایجان و آسیای میانه را بازاری هم‌راه و هم‌راه‌های بزرگ سرمایه‌گذاری می‌دانند. ثبات گوکی‌گی، رئیس انجمن تجاری ترکیه و شوروی در استانبول می‌گوید: "این مردم پس از ۷۵ سال کمونیسم، می‌ترسند. آنها طالب سرمایه‌گذاری ما هستند، و می‌دانند که برخلاف ایرانی‌ها و سعودی‌ها، به ما می‌توانند اعتماد کنند." نتاس، یک شرکت مشغول الکترونیکی ترکیه، مشغول ساختن یک سیستم تلفن دیجیتال سوئیچینگ ۲۱ میلیون دلاری در آذربایجان است. پات هولدن، یک تولیدکننده چرم ترکیه، و تکل، یک دارنده انحصار توتون در ترکیه، در همین کشور کارخانه میسازند. در قزاقستان، شرکت تگن ترکیه مشغول ساختن یک کارخانه ۲۰ میلیون دلاری اسید سولفوریک است که با سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت مهندسی جان براون بریتانیا ساخته می‌شود. پیشنهادهایی برای خرید بیشتری از نفت و گاز آذربایجان و پنبه از بکستان توسط ترکیه مطرح شده است. اما اگر قرار باشد ترکیه در آسیای میانه نقش مهمی ایفا کند، در درازمدت سرمایه و تکنولوژی غرب باید نیروی کار و آشنایی

ترکیه به منطقه را تکمیل کند. بحال، تنها معدودی از شرکت‌های آمریکایی و اروپایی به راه یافتن به بازارهای آسیای میانه از طریق ترکیه تمایل نشان داده‌اند. اسحاق آلاتون، رئیس شرکت آلاکو که یک شرکت ساختمانی همده در استانبول است، می‌گوید: "فرصت‌ها بسیار بزرگند، اما ممکن است ما در مورد امکانات عملی خود در این منطقه دچار توهم شویم." هم‌اکنون، محدودیت‌های ترکیه به چشم می‌خورد. تاجال ترکیه نتوانسته‌اند ده هزار دستگاه ماشین تحریری را که آذربایجان برای تقاضا گذار به الفبای لاتین بدان یاز دارد، تحویل دهند. و در حالی که هریک از کشورهای

دشت بزرگی از قاره اروپایی - آسیایی، به برتری استراتژیک دست یابد، ترکیه، تنها وزنه متقابل ضد بنیادگراست که منطقه در اختیار دارد. تنها در هفته‌های اخیر است که خطر استراتژیک به شدت هیان شده است. فروپایی سریع اتحاد شوروی و پیروزی غیرمنتظره سیاستمداران بنیادگرا در الجزایر، رهبران اروپایی و آمریکایی را نسبت به تداوم خطر ایران و رادیکال‌های اسلامی حساس کرده است. پایتخت‌های قریبی با اصرار از ترکیه خواسته‌اند که نقش نوک پیکان غرب در منطقه را ایفا کند، و ترکیه به ایفای نقش تمایل بسیاری دارد. اما به روال معمول

### بازیگران اصلی صحنه

ایران به افتتاح سفارتخانه‌ها، عقد قراردادهای تجاری و تلاش برای کشودن راه‌های جدید حمل و نقل مشغول است. اما اهداف واقعی‌اش هنوز یک همبستگی برحسب می‌گویند ایران خواهان مناسباتی با ثبات است. اما بسیاری از اهراب و قریبی‌ها می‌ترسند که رادیکال‌های ایران در صدد گسترش اسلام انقلابی خود باشند. اکثر ساکنان آسیای میانه سنی مذهبه، و پس از ۷۰ سال کمونیسم، بسیاری از آنها از هر چه انقلاب است سیر شده‌اند. ترکیه یک کشور غیرمذهبی مسلمان است که جایگاه استواری در آردوگاه غرب دارد. این کشور در آسیای میانه از یک امتیاز مهم برخوردار است: اکثر مسلمانان منطقه، اصل و نسب قومی و زبانی ترک دارند. این امر، راه سرمایه‌گذاری و دیپلماسی ترکیه را باز می‌کند. آسیای میانه به

ترک نشین مایل به اعزام سالانه هزار دانشجو به دانشگاه‌های ترکیه است، ترکیه در مجموع تنها قادر به پذیرش ۵۰۰ نفرند. مسائلی که جمهوری‌های ترک با آن روبرو هستند به حدی است که احتمالاً هیچ کس به تنهایی قادر به حل آن نخواهد بود. در اتحاد شوروی عقب مانده، این جمهوری‌های فقیرترین‌ها بودند. در این جمهوری‌ها آمار مرگ و میر اطفال، بیکاری و امراض ناشی از آلودگی محیط زیست، وحشتناک است. کشت پی در پی پنبه، بخش بزرگی از اراضی آنها را بایر کرده است. دریاچه پناور لال تبدیل به یک مرداب متعفن شیمیایی شده است. آسیای میانه که به لحاظ شعرا و موسیقیدانان، فنی است، به ندرت مهندس و حسابرس ورزیده دارد. گوکی‌گیت می‌گوید: "ما باید همه چیز را از صفر شروع کنیم."

### آذربایجان:

### آشی که ایران پخته است

اذان ظهر از مناره مسجد تازاپیر باکو طنین افکنده است. خرابی‌ها در مسجد، رهگذرانی که به خرید مشغولند به سرعت عبور می‌کنند. در میان آنها، زانی دیده می‌شوند که به جای رعایت حجاب، ماتیک زده‌اند. درون بزرگترین مسجد شهر ۱/۷ میلیونی، متغی‌بست مرد روبرو به سجده رفته‌اند. آذربایجانی‌ها عموماً بیشتر به سر و سامان دادن به زندگی مادی خود پس از هفتاد سال حکومت کمونیسم تمایل دارند. همچنین اکثر آنها بنیادگرایی ایرانی را رد می‌کنند و آن را تجدیدی علیه استقلال خود می‌دانند که ماه اوت گذشته اعلام شد. وفا قلی‌زاده، یکی از مشاوران پرزیدنت ایاز مطلب‌اف، می‌گوید: "ما نمی‌خواهیم تحت نفوذ ایران باشیم. ایران ما را به قرون وسطی باز خواهد گرداند."

نشریه "وال استریت ژرنال" سلسله مقالاتی درباره متفکرانی که وقایع پایان قرن بیستم را تحت تاثیر قرار داده‌اند آغاز کرده است. نخستین کسی که از میان آن اندیشه پردازان بزرگ در این مقالات معرفی شده کارل مارکس است. روزنامه وال استریت ژرنال که رهنمون روزانه بازارهای مالی بین‌المللی سرمایه است در مقاله خود از تداوم اعتبار تفکر اقتصادی و تاریخی نویسنده "کاپیتال" صحبت می‌کند. "گرچه مجسمه‌های مارکس به لرزه در آمدند... اما شبخ او کماکان در جهان در گشت و گذار است: مارکس نمی‌تواند انکار شود."

هنری اف مایرز، در مقاله مذکور مینویسد که "انتقاد مارکس از سرمایه‌داری کمک میکند آنچه را در دوران ما در دستور روز است بهتر درک نمائیم." روزنامه مزبور که سخنگوی انحصارات بزرگ سرمایه مالی است در لحظه کوتاهی که واقعه‌ینی و همین‌گرای بر آن مستولی میشود عنوان میکند که کارل مارکس به همان میزانی که فریاد انشتین پژوهشهای امروزین را تحت تاثیر قرار میدهند، مجموعه طرزتلقی‌های معاصر تاریخ و اقتصاد را تحت تاثیر قرار داده است: "مارکس، فریود و انشتین به ما امکان میدهند، سده کنونی را در واپسین دهه خود درک کنیم... هر سه این اندیشمندان آنچه را تحت عنوان "مدرنیسم" قابل فهم است بر ما آشکار میکنند... آیا آنها قادرند، پس از آنکه مهر خود را بر قرن بیستم کوبیدند به ما مدد رسانند تا راه حل مسائل قرن

ساکن اند. با فروپاشی قدرت شوروی، آذربایجان‌های شمال و جنوب اینک فرصتی برای احیای وحدت خود در چارچوب یک دولت دمکراتیک تر می‌بینند، دولتی که به لحاظ اقتصادی وابسته به ترکیه باشد. وحدت آنها به معنای جدایی بخش بزرگی از شمال ایران فعلی خواهد بود.

نقشه ایران این است که بنیادگرایی اسلامی، نخست کنترل آذربایجان را بدست گیرد. ایران برای اینکه در آذربایجان اسلام به دین دولتی تبدیل شود، هوامل و بروشورهای تبلیغاتی به آنجا سرازیر کرده است. اما کمونیسم، بخش بزرگی از ایمان مذهبی را که ایران می‌خواهد به آن دامن بزند، از بین برده است. حزب اسلامی، نیروی جدید اپوزیسیون و اسب تروای ایران در شمال، تنها ۶ هزار عضو و ۵ در صداری دارد. عجیب است، اما همه در باکو متفق القولند که تنها ایالات متحده ممکن است آذربایجان را به داجان ایران براند. دولت بوش از هم‌اکنون در جنگ خونین میان ارمنستان و آذربایجان بر سر منطقه مورد اختلاف قره‌باغ، جانب ارمنستان را گرفته است. اخیراً واشنگتن با ارمنستان که در آمریکا دارای حامیان مهاجر ذی نفوذی است، مناسبات دیپلماتیک برقرار کرد اما با آذربایجان که

### اندیشه مارکس هنوز در گشت و گذار است

بیست و یکم رابیبیم؟ نویسنده بعنوان یک رئالیست می‌گوید: "امروز همه بر آنند که تکانه‌های دوسال گذشته - و بیش از همه درهم شکستن کمونیسم در بسیاری از کشورها - مارکسیست‌ها را از مبانی پایه‌ای فکری خود گسیخته است. هیچکدام از متفکران بزرگ قرن بیستم به مانند مارکس مورد بهتان و افترا قرار نگرفته است. لااقل ظاهراً به نظر میرسد که مارکسیسم، به آن گونه که به عمل در آمده و توسط لنین بکار برده شده است، در بستر مرگ خفته باشد. اما در حالی که

"مارکس در حیطه محیط زیست پیش‌بینی کرده بود که تنظیم اقتصادی بر اساس سودوری مبتنی بر مالکیت خصوصی به نتایج اجتماعی نامطلوبی منجر میشود. به این ترتیب او آلودگی رودخانه تایمز را با همان عباراتی مورد انتقاد قرار میدهد که امروز مردم از بین رفت حیات در رودخانه راین و سایر آبراه‌های آلوده را مورد سرزنش قرار میدهند..."

"مارکس در حیطه امنیت عمومی پیش‌بینی کرده بود که رقابت آزاد با پدید آوردن انسانهایی که فقط به سودهای خودخواهانه خود علاقمندند، حفاظ اخلاقی جامعه را شدیداً تخریب میکند برخیا در رسواییهای اخیر وال استریت همان پول پرستی بی‌انتهایی را باز شناختند که مارکس دیرزمانیست محکوم کرده است."

این واقعیت قابل توجه است که اندیشه‌های که از بدو پیدایش آن تاکنون بارها مرگ آن اعلام شده است موضوع کوششی جهت ارزش‌یابی مجدد و کاربرد انتقادی، آنهم در صفحه نخست بزرگترین روزنامه اقتصادی ایالات متحده آمریکا قرار می‌گیرد. واقعیت فوق لاقبل این را نشان می‌دهد که کسی را توان آن نیست که مارکسیسم زنده را به فراموشی قرن گذشته پرتاب کند.

چنین حامیانی ندارد، رابطه برقرار ننمود. رسماً آمریکایی‌ها منتظر اصلاحات دمکراتیک فزون تری هستند که پرزیدنت مطلب‌اف، کمونیست سابق و ناسیونالیست فعلی، وعده انجام آن را در آینده نزدیک داده است. در این حال، آذربایجانی‌ها نگرانند که حمایت ایالات متحده از ارمنستان مسیحی، ناچارشان کند که زیر پرچم اسلام، به حمایت ایران رو می‌آورد. قلی‌زاده می‌گوید: "این تنها امکان بنیادگرایی آذربایجان است."

بسیاری از آذربایجانی‌ها معتقدند ایران با ظرافت به پختن چنین آشی مشغول است. اذار نماز، رئیس مهم‌ترین موسسه مطالعات استراتژیک آذربایجان، می‌گوید پیام‌های رادیویی ضبط شده و سایر شواهد نشان میدهد ایران در اردوگاه‌های سابق سازمان آزادیبخش فلسطین در لبنان، سوریه و خود ایران،

### توضیح و اطلاع

شماره بعدی کار در دومین هفته فروردینماه سال ۱۳۷۱ انتشار خواهد یافت.

به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم که این شماره نشریه کار، آخرین شماره منتشره در سال ۱۳۷۰ خورشیدی است و





با خوانندگان



با خوانندگان

## زنان و رژیم

راستایی است که تا کنون رژیم جمهوری اسلامی پیش برده است که در سالهای اخیر در رابطه با رهایت حجاب اسلامی کمی از فشار نسبت به زنان کاسته شده است ولی هم چنان سیاست های پیشین در مورد زنان اعمال می شود و زنان از کمترین حقوق برخوردارند. رفسنجانی می کوشد این ذهنیت را در اذهان عمومی جامعه و در سطح بین المللی جایاندازد که گویا برخورد دولت او نسبت به زنان متفاوت از دوره قبلی است چرا که یکی از معیارهای تفاوت در سطح جهانی نسبت به جمهوری اسلامی برخورد آن با زنان است. اخباری که در مورد سنگسار زنان رژیم چاپ می شود، نشان از تداوم برخورد خشن و قرون وسطایی نسبت به زنان دارد. شرکت دادن فعال زنان در امر سازندگی و ایفای نقش شایسته توسط آنان در جامعه مستلزم برداشتن قیوداتی است که در مورد زنان اعمال می شود.

بپردازند. آمارهای منتشره شده نشان می دهد که میزان نیروی فعال زنان بعد از انقلاب بطور قابل توجهی پائین آمده و از تعداد زنان در مسئولیتهای کشوری کاسته شده است. مقاومت بخش مهمی از زنان کشور در مقابل دیدگاهها و سیاستهای پشدت عقب مانده جمهوری اسلامی و نیازهای اساسی اقتصاد کشور موجب شده است که دولت رفسنجانی توجه بیشتری را به زنان مبدول دارد. رفسنجانی در این رابطه خانم حبیبی را بعنوان مشاور خود تعیین کرده است. بعلاوه سران حکومت در سخنرانی و مصاحبه هایشان مرتباً از مقام منزلت زن در اسلام صحبت می کنند. مطبوعات وابسته به رژیم مطالب بیشتری را به زنان اختصاص می دهند. مجلات جدیدی در مورد زنان انتشار یافته است. تشکیل کنگره اخیر نیز در این رابطه است. ولی تمام این تلاشها در همان

بقیه از صفحه ۵  
جهت سازندگی کشور، شرکت و سبقت زنان در تحصیل، کسب مدارج علمی قرار گرفتن در سطوح بالای مدیریت و ایفای نقش جدی در مسائل سیاسی کشور باشد. چنانچه در یکسری از کشورها در تحولات اجتماعی این گونه روندها پیشرفت و نقش زنان به مراتب نسبت به سابق افزایش یافت. ولی جمهوری اسلامی به بدترین و موهن ترین برخوردها نسبت به زنان دست یازید، بیشترین فشارها را اعمال کرد و از حقوق اجتماعی آنان پشدت کاست. جمهوری اسلامی از یکسو زنان را بخیابان می آورد و در تظاهرات حکومتی شرکت می داد و از سوی دیگر با اتخاذ سیاستهای مختلف آنها را به کنج خانه می راند و نقش زنان را در عرصه های اجتماعی و سیاسی پشدت پایین می آورد و زنان را به انحاء مختلف واد می کند که تنها به کار خانه داری

کارکنان نشریه کار سازگاریم، تمیزهای اهدایی شما را دریافت کردیم. از بابت ارسال منظم نشریات و دیگر همکاریهایتان با نشریه کار متشکریم. درودهای گرم ما را بپذیرید. \* خواننده گرامی نشریه کار آقای ابومولود از آلمان! مطلب ارسال شما تحت عنوان "آب، باد، خاک، سبیل هنر سبیلک در سینمای امروز ایران" را دریافت کردیم. منتظر کارهای انتقادی شما از آثار هنری هستیم. موفق باشید.

\* خواننده گرامی نشریه کار آقای رنجبر از کانادا! از پاسخ مسؤلانه شما به تقاضای نشریه کار مبنی بر اعلام هر گونه اطلاع از مبارزاتی که توسط دژ خیمان جمهوری اسلامی اعدام و سر به نیست شده اند، متشکریم. در نامه متاثر کننده شما خواندیم: مجاهد خلق عبدالرضا اسد متولد ۱۳۳۴ در شیراز، سال ۶۴ دستگیر شد و در سال ۶۷ اعدام گردید. مجاهد خلق حسین باری متولد ۱۳۳۴ در گناوه، نماینده مجاهدین خلق از گناوه برای مجلس شورای اسلامی که در سال ۶۷ بازداشت و در سال ۶۷ اعدام شد. مجاهد خلق پرویز رنجبر برومند متولد ۱۳۳۲ در بوشهر، سال ۶۱ در تهران دستگیر و سال ۶۷ اعدام می شود. عبدالله احمدی مجاهد خلق دیگر متولد ۱۳۳۸ در بوشهر که سال ۶۱ دستگیر و در قتل عام سال ۶۷ اعدام میشود. مجاهد خلق حسن مساوات اعدام شده در جریان کشتار زندانیان در سال ۶۷، متولد ۱۳۴۳ در برازجان که در سال ۶۳ دستگیر شده بود و به اعتراف مسؤلان زندان از بیماری شدید رنج میبرد. مجاهد خلق حسن برآورده متولد ۱۳۴۱ در بوشهر، کارگر نانوا که در آبان ماه ۶۳ دستگیر و در مردادماه سال ۶۷ اعدام شد. مجاهد خلق سید مهدی امینی خواه متولد ۱۳۴۶ که به هنگام دستگیری دانش آموز سال دوم دبیرستان بود، پس از چهار سال اسارت در سال ۱۳۶۷ اعدام شد. مجاهد خلق داریوش برتک متولد ۱۳۴۱ در بوشهر، کارگر مکانیک در سال ۶۶ دستگیر و در قتل عام سال ۶۷ اعدام شد. مجاهدین خلق، برادران بازیارپور، شغل کشاورز در روستای دوکهنه بوشهر که در سال ۶۵ دستگیر و در سال ۶۷ اعدام شدند و مجاهدین خلق، ناصر و منصور متولد سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۲ در آبادان که در تابستان ۶۱ دستگیر شده بودند و

\* همکار گرامی منصور از سوئد! از گزارش شما تحت عنوان "راسیسم مسئله روز سوئد" استفاده شد. از مطلب جالب دیگر شما با تیتراژ "پروویزی راستگرایان در انتخابات سوئد" برای تهیه مقاله ای در زمینه تقویت گرایشات راست در سراسر اروپا استفاده خواهد شد. گزارش ارسال شما با عنوان "اختلاف فرهنگی؟" نظر به محدودیت موضوع فیر قابل درج است. منتظر کارهای بعدی شما هستیم.

\* دوست ترکمن پناهجوی مقیم سوئد! رونوشت نامه ای را که "پناهجویان ترکمن مقیم کمپ های سراسر سوئد" به اداره کل مهاجرین کشور سوئد فرستاده بودند و شما آن را جهت درج به نشریه ارسال داشتید، دریافت کردیم. در رابطه با تقاضای شما برای انعکاس آن در نشریه به اطلاع می رسانیم که نظر به حجم محدود صفحه نشریه امکان درج چنین مطالبی برای ما وجود ندارد. از شما دعوت می کنیم که با ارسال گزارشها و مقالات کوتاه پیرامون مشکلات عیدیه خلق ترکمن، همکاری خود با نشریه را ادامه بدهید.

\* همکار گرامی نشریه کار آقای فرهاد کشتمند! نامه شما در پاسخ به مقاله آقای دکتر حسن کیانزاد مندرج در نشریه کار شماره ۲۱ و ۲۲، جهت درج آن در نشریه که با عنوان "هدف پیوستن است نه جدایی!" تنظیم شده است، دریافت شد. ما از نامه شما که به توضیح رابطه ستم ملی و "مسئله ارضی" اختصاص یافته است، نتیجه گیری تان را برای اطلاع خوانندگان نشریه کار می آوریم. مشکل ستم های ملی اعمال شده را می توان با برقراری جمهوری فدراتیو ایران حل نموده و مکمل آن، خواستار حل مسئله ارضی نیز گردید. آنچه که مسلم است حل مسائل ملی ایران و یا فیر ایران مرحله به مرحله پیشرفته و دیگر نمی توان با پیش کشیدن حفظ تمامیت ارضی، مانع استقلال ملت ما گردید. چرا که حق نهایی تعیین سرنوشت ملل ایران و سایر کشورها، فقط و فقط برعهده ساکنین آن مناطق بوده و هر حرکتی فیر آن، در جهت مخالف مسیر تاریخ و تکرار سالیان پررنج گذشته و ادامه سرکوب خونین آنان خواهد شد.

\* همکار گرامی، آقای داریوش از آمریکا! از قدرشناسی شما نسبت به

## دلخواه به جای واقعیت

کشور از واقعیت های ملموس زندگی روزمره مردم دور هستند و مسائل مبتلا به آنها با مسائلی که در داخل کشور میگذرد تفاوت و فاصله بسیار زیادی دارد و در برخی از عرصه ها میتوان گفت زمین تا آسمان با یکدیگر متفاوتند و این دور بودن از واقعیت های روزمره زندگی مردم، پاشنه آشیل نیروهای خارج از کشور است. در اینجاست که ذهنگیری و اراده گرایی میدان رشد پیدا می کند و می تواند خطرات بسیار بزرگی در برابر مایجاد نماید و ما را به سمت بیراهه و دور شدن از میدان حقیقت راهبری کند. البته مشی رفرمیستی عرصه بازگشت آنانیکه می خواهند به ایران برگردند را وسیعتر می کند و چشم اندازهای جدیدی برای رفع این مشکل اساسی ایجاد می نماید. اگر این مشی جایگاه واقعی خود را میان نیروهای خارج از کشور بدست آورد امید به حل بحران نیروهای سیاسی خارج از کشور افزایش خواهد یافت. مشی رفرمیستی از درون مردم زاده شده است اساساً زندگی و مبارزه مردم بر مبنای رفرم قرار دارد.

بقیه از صفحه ۴  
مدعی شود که به حقیقت کامل دست یافته تنها طبل رسوایی خود را به صدا در آورده است. برای آنکه بتوانیم به میدان حقیقت نزدیک شویم باید گوش های بزرگی برای شنیدن آراء و عقاید گوناگون داشته باشیم. باید ریشه وجودی خودمان را یعنی عشق به انسان و انسانیت، عشق به رهایی آدمی از هر چه بدو بندگی، عشق به عدالت را هرگز فراموش نکنیم باید واقعیت ها را آنگونه که هستند ببینیم نه آنگونه که می خواهیم.

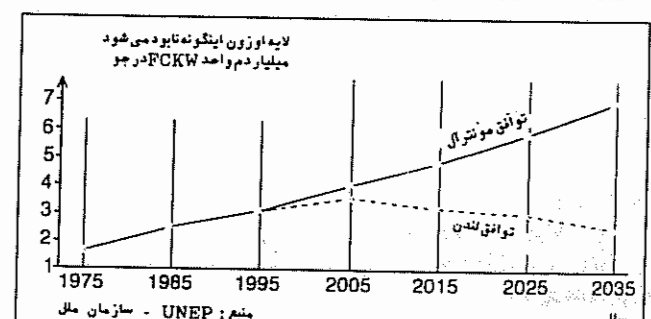
در عرصه بین المللی وقایع شگرفی اتفاق افتاده و وقایع شگرف تر و حیرت آورتری هم در سالها و دهه های آینده در پیش داریم. برای آنانکه در خارج از کشور زیست می کنند در نضائیکه آزادی بیشتری وجود دارد و دسترسی به منابع گوناگون خبری و اطلاعاتی و تحقیقی زیادت است امکان نزدیک شدن به میدان حقیقت بیشتر است. همانگونه که وقایع سالهای اخیر ضربات سهمگینی بر ذهنگرایی و اراده گرایی ما وارد آورد و ما را در مسیر شناخت حقیقت کمک و راهنمایی نمود.

اما در عرصه ملی، بدلیل آنکه نیروهای خارج از

## گسترش سوراخ اوزون، خطری مهلک

در تولید FCKW در کشورهای مختلف رضایت بخش نیست.

در سال ۱۹۸۷ در مونترآل و در سال ۱۹۹۰ در لندن همه به این نظر بوده اند. میزا کاهش تاکنونی



اگر توافق صورت گرفته سازمان ملل متحد در لندن اجرا نگردد، نابودی لایه اوزون ادامه خواهد یافت.

بقیه از صفحه اول  
قسمت هایی از شمال آسیا کشف کردند. نابودی لایه محافظ اوزون علیه رقم تصمیمات جهانی در جهت چشم پوشی حتی امتدور از تولید گازهای FCKW همچنان ادامه دارد. از سال ۱۹۷۸ تاکنون لایه اوزون حدود ۵ درصد کاهش یافته است. گازهای FCKW از جمله در یخچالها و اسپری های گوناگون مورد استفاده قرار می گیرند. بر اساس تصمیم کشورهای عضو سازمان ملل متحد، تولید KCKW باید به شدت کاهش یابد.

## دستگیری هزاران تن در الجزایر

امنیتی الجزایر مانع برگزاری گردهمایی های طرفداران جبهه نجات اسلامی در حاشیه نماز جمعه نشدند. این در حالی بود که جمعه پیش از آن در جریان مراسم ۵۰ نفر کشته و ۲۰۰ تن مجروح شده بودند. به گزارش جمعیت حقوق بشر الجزایر امکان دارد بازداشت شدگان حوادث اخیر این کشور تا پایان حکومت نظامی که مدت آن فعلاً یک سال اعلام شده است، در اردوگاهها بمانند. سازمان عفو بین الملل هشدار داد برقراری حکومت نظامی در الجزایر ممکن است به موارد متعدد نقض حقوق بشر بیانجامد. این سازمان گزارش داد که برخی از زندانیان الجزایری گفته اند که تحت شکنجه، ضرب و شتم و بدرفتاری قرار گرفته اند.

محمد بوضیاف رئیس کمیته عالی دولتی الجزایر در مصاحبه ای با تلویزیون فرانسه ادعای جبهه نجات اسلامی دایر بر اینکه فعالین بنیادگرای دستگیر شده، تحت شکنجه قرار گرفته اند را رد کرد. بوضیاف مدعی شد دستگیری همه افراد بازداشت شده، قانونی بوده است و خود او شخصاً مراقب این است که

## سایه تجاوزگری اسرائیل بر مذاکرات صلح خاور میانه

بقیه از صفحه آخر  
خویشتن داری کامل نشان دهند. بدنبال تبادل آتش توپخانه میان حزب الله لبنان از یک سو و اسرائیل و هواملش از سوی دیگر، نیروهای اسرائیلی مجهز به تانک و سایر خودروهای سنگین وارد خاک لبنان شدند. در پی کشته شدن سه سرباز اسرائیلی در جریان این تجاوز، تانک های اسرائیلی دست به عقب نشینی زدند و در موضعی در نوار جنوب لبنان که تحت عنوان "حاشیه

کمب های مالی  
نروژ - ۵۵/۵۵ مارک  
ژاپن - ۱۴۳/۶۶ مارک  
جنوب آمریکا - ۷۰/۷۰ دلار (باقی مانده از ۱۲۰۰ دلار کمب قبلی)  
جنوب آمریکا ۱۲۶۲/۷۸ مارک (برای خرید دستگاه Fax)

### سایه تجاوزگری اسرائیل بر مذاکرات صلح خاورمیانه

مغته گذشته دور جدیدی از گفتگوهای دوجانبه اسرائیل و اعراب در واشنگتن آغاز شد. مذاکرات صلح خاورمیانه در حالی ادامه یافت که عملیات تجاوزکارانه اسرائیل علیه لبنان سایه تاریکی بر این گفتگوها افکنده است. ناظران معتقدند تا قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی اسرائیل در بهار آینده و انتخابات ریاست جمهوری امریکادر اواخر سال جاری مسیحی، هیچ پیشرفتی در روند صلح خاورمیانه حاصل نخواهد شد.

حادثه‌ای که فضای حاکم بر مذاکرات را بیش از پیش آلوده کرد، اقدام گستاخانه اسرائیل در قتل عباس موسوی دبیرکل حزب الله لبنان بود. روز یکشنبه ۲۷ بهمن، هلی کوپترهای اسرائیلی در جنوب لبنان به اتومبیل‌های حامل موسوی و همراهانش حمله کردند. در موشک باران این اتومبیل‌ها علاوه بر عباس موسوی، همسر و پسرش ساله او و نیز چهارتن دیگر به قتل رسیدند. این حادثه در نزدیکی شرقیه واقع در بیست کیلومتری جنوب شرقی بندر صور به وقوع پیوست. دو هلی کوپتر اسرائیلی پنج موشک هدایت شونده با سیم به سوی اتومبیل‌های موسوی و همراهانش شلیک کردند. موشه آرنز وزیر دفاع اسرائیل گفت قتل موسوی از مدت‌ها پیش تدارک دیده شده بود.

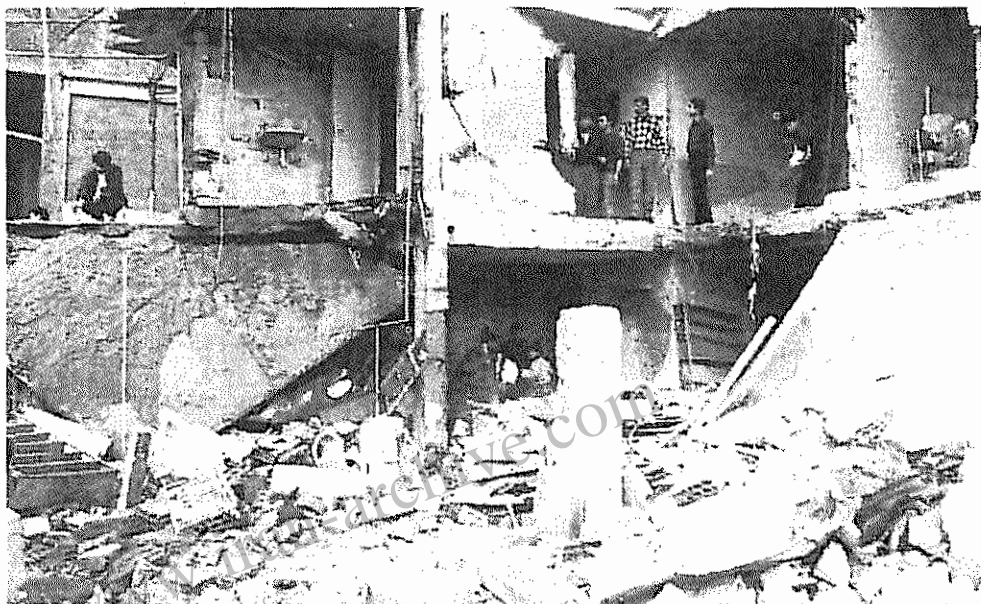
در روز ۲۷ بهمن علاوه بر رهبری حزب الله اهداف دیگری نیز در لبنان هدف حملات هوایی اسرائیل قرار گرفتند. در این حملات که متوجه دوارگاه آوارگان فلسطینی بود، چهار تن کشته و یازده نفر مجروح شدند. اردوگاهی که آماج حملات جنگنده - بمب افکن‌ها و

عملیات مزبور بخشی از دفاع مشروع مردم مناطق اشغالی در برابر سرکوب اسرائیلی‌هاست. پس از قتل عباس موسوی توسط نیروهای اسرائیلی، موج خشونت در خاورمیانه بار دیگر گسترش یافت. نیروهای حزب الله شمال اسرائیل را هدف حملات موشکی قرار دادند. این حملات تلفات و خسارات چندانی بیار نیاورد. در مقابل، ارتش اسرائیل و مزدوران لبنانی آن که تحت عنوان "ارتش جنوب لبنان" عمل می‌کنند، جنوب لبنان را زیر آتش گرفتند.

روز ۲۸ بهمن بیش از ۵۰ هزار نفر در جنوب بیروت جنازه عباس موسوی را تشییع کردند. در این مراسم هیأتی نیز از سوی جمهوری اسلامی به ریاست جنتی عضو شورای نگهبان شرکت جست. وزارت خارجه جمهوری اسلامی، رفاستجانی رئیس جمهور

خامنه‌ای و گروهی رئیس مجلس در بیانیه‌هایی قتل موسوی را محکوم کردند. در سراسر لبنان در اعتراض به حمله اسرائیل یک اعتصاب عمومی برگزار شد. ادارات، مغازه‌ها و بانک‌ها در اعتصاب شرکت کردند. شورای عالی دفاع لبنان روز ۲۸ بهمن به ریاست الیاس هراوی رئیس جمهور تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت علیه تجاوز اسرائیل به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کند.

جرج بوش رئیس جمهور امریکا به این بهانه که اطلاعات کافی در باره حادثه ندارد، از اظهار نظر در باره قتل موسوی و تجاوز اسرائیل به لبنان خودداری کرد. یک سخنگوی وزارت خارجه امریکا تلفات جانی اظهار تاسف کرد و "همه طرف‌ها" را فراخواند



دو گاه فلسطینی هین الحلوه پس از حمله اسرائیل

### تشدید جنگ در قره باغ

در نخستین روزهای اسفندماه نبرد میان آذربایجان و جدایی خواهان ارمنی منطقه قره باغ شدت گرفت. نیروهای آذربایجان با موشک به شهر استپاناکرت مرکز قره باغ حمله کردند. در جریان این حمله، از جمله دو سرباز نیروهای مسلح "جامعه دولت‌های مستقل" کشته شدند. بدنبال این واقعه در مسکو اعلام شد نیروهای تحت فرمان ستاد ارتش سابق شوروی که در جنگ قره باغ اعلام بیطرفی کرده است، از این پس باگشودن آتش به حملات پاسخ خواهند داد.

اخیرا منطقه خودمختار قره باغ استقلال خود را از آذربایجان اعلام کرد. این منطقه تاجما در محاصره قلمرو آذربایجان قرار دارد اما اکثر ساکنان آن ارمنی‌اند.

شهر در برابر محاصره از سوی آذربایجان را آسان تر می‌کند، این است که در منطقه کوهستانی قره باغ همواره فرار سیدن زمستان با مسدود شدن راههای رسیدن آذوقه همراه بوده است و از این رو مردم معمولاً ذخیره کافی برای به سرآوردن زمستان دارند.

هم آذربایجان و هم ارمنستان اذعان دارند که باید از طریق مذاکره راه حلی برای این مسئله بیابند، اما به نظر می‌رسد هیچ یک از دو طرف حاضر نیست گام اول را بردارد. مقامات آذری و ارمنی اخیرا از جمهوری اسلامی خواسته‌اند دست به میانجی‌گری بزنند، و تهران این تقاضا را پذیرفته است. یک سخنگوی آذربایجان اعلام کرده است کشورش حاضر به مذاکره است اما "نخست باید به خونریزی پایان داد." پاسخ جدایی خواهان قره باغ این است که آذربایجان‌ها باید به خونریزی پایان دهند.

طی چهار سال که از آغاز درگیری بر سره قره باغ می‌گذرد، صدها آذربایجانی و ارمنی کشته و صدها تن دیگر آواره شده‌اند. جمهوری آذربایجان که نمی‌خواهد این منطقه چهار هزار کیلومتر مربعی را از دست بدهد، برای حفظ آن نیرو فرستاده است. تاکنون هیچ دولت ثالث و حتی ارمنستان نیز استقلال قره باغ را به رسمیت نشناخته است.

گلوله باران استپاناکرت که در منطقه مرتفعی واقع شده است، سه ماه پیش از سوی نیروهای آذربایجان آغاز شد. از آن هنگام مدارس شهر تعطیل شده‌اند. در پاسخ به گلوله باران استپاناکرت، نیروهای ارمنی یک روستای آذری در نزدیکی این شهر را ویران کردند. این روستا دومین روستایی بود که ظرف یک ماه توسط جدایی خواهان ارمنی نابود می‌شد.

شهر استپاناکرت از اوایل ژانویه (اواسط دی‌ماه) تاکنون بدون جریان برق و آب است. ساکنان شهر ساعت‌ها برای پر کردن سطل‌های خود از هشت شیر آب موجود در شهر صف می‌بندند. آنچه مقاومت ساکنان

بقیه در صفحه ۹

### مطبوعات روسیه :

### "دموکرات‌های مسکو نقاب از چهره برداشتند"

مطبوعات روسیه رخدادهایی روزیکشنبه ۲۳ فوریه گذشته در مرکز پایتخت روسیه را مشروحا تفسیر کرده‌اند. روزنامه "زویوتسکایا رویسا" حوادث یکشنبه را "پایان همه توهمات دمکراتیک" قلمداد کرد.

روزنامه مزبور به نقل از پاولف، نماینده پارلمان می‌نویسد: "دمکرات‌های مسکو بی‌هیچ بروو برگردی نقاب از چهره خود برداشته و مشت خود را به خلق نشان داده‌اند." وی افزود: "پارلمان روسیه قطعا در برابر آن حوادث موضع خود را اعلام خواهد کرد."

روزنامه "نیزاویسیمایا گازتا" تاکید کرد که مقامات دولتی در برابر تظاهرات کمونیست‌ها هر چه هصی‌تر عکس‌العجل نشان می‌دهد. این روزنامه می‌نویسد: مقامات، کاربرد قهر را تنها به این خاطر انجام داده‌اند که خطر سرخ را بر جسته‌کنند."

بنا به ارزیابی "پراودا" تظاهرکنندگان نشان داده‌اند که پایه اجتماعی برای یک اپوزیسیون چپ در کشور هر چه بیشتر قدرت می‌گیرد. این روزنامه می‌نویسد: "برخورد خشونت‌بار نیروهای انتظامی نشانه وحشت حکومت از مردم است."

مخاطبه در روسیه تشدید می‌شود. قدرت حاکمه در برابر

### رفراندوم ۱۷ اسفند در آفریقای جنوبی

دکترک، رئیس جمهور آفریقای جنوبی، با فراخوانی برای همه‌پرسی در روز ۱۷ ماه مارس، ماجرایی خطیری پیشروی خود قرار داده است. انگیزه اقدام وی شکست حزب ملی او در برابر حزب محافظه‌کار در انتخابات میان‌دوره‌ای شهر بوتسفرتروم واقع در جنوب ژوهانسبورگ است. رهبری این حزب دست راستی، نتایج انتخابات را نشانه رویگردانی اکثریت مردم سفیدپوست کشور از دکترک و از دست رفتن مشروعیت خطمشی او مبنی بر ادامه مذاکرات باکنگره ملی آفریقا قلمداد کرده است. دکترک با فراخوان خود، برای سفیدپوستان، که با پنج میلیون نفر حدود ۱۳ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند عملا یک حق و تو ایجاد کرده است. بدینمعنی که در صورت پاسخ منفی سفیدپوستان روند اصلاحات قطع خواهد شد. به این ترتیب، دکترک با این کار نتایج اصلاحات و لغو ممنوعیت کنگره ملی آفریقارا در معرض خطر قرار می‌دهد. او اعلام کرده است که در صورت شکست در رفراندوم استعفا داده و انتخابات جدیدی برگزار خواهد کرد.

برای نیروهای دست راستی، رفراندوم مزبور احتمالا آخرین امکان خواهد بود که روند از بین

رفتن آپارتاید را از "طریق قانونی" به بن بست رسانند. حزب محافظه‌کار در این بین از مردم سفید پوست خواسته است که با دادن رای منفی در رفراندوم، مخالفت قاطع خود را با اصلاحات به نمایش گذارند. در مقابل "جنبش مقاومت آفریقا"، نماینده جناح نظامیگرا افراطیون راست، که ۵۰۰۰ نفر نیروی مسلح را رهبری می‌کند، رفراندوم را تحریم کرده است.

نتیجه رفراندوم به نحوه برخورد سیاهپوستان و نمایندگان سیاسی آنها نیز بستگی خواهد داشت. تساخ بیر، رهبر حزب لیبرال دمکرات در این خصوص گفته‌است: "نیاید کاری کرد که سفیدپوستان متزلزل که از تحولات اخیر هراسناک شده‌اند به آفوش حزب محافظه‌کار رانده شوند.

نلسون ماندلا امکان کسب قدرت توسط محافظه‌کاران را یک تراژدی قلمداد کرد که قادر است آتش جنگ داخلی را مشتعل سازد. از نظر کنگره ملی آفریقا رفراندوم ماه مارس به لحاظ آنکه سیاهپوستان از شرکت در آن محرومند، جنبه نژادپرستانه دارد. کنگره ملی آفریقا همه مردم آفریقای جنوبی را فراخوانده است که از رونددمکراتیزاسیون دفاع کنند.

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپر پستی و یار سیدبانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا	دیگر نقاط
بهای اشتراک نشریه "کار" (شش ماهه ۴۵ مارک ۵۲ مارک)	
(یک ساله ۹۰ مارک ۱۰۴ مارک)	

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

<p><b>KAR</b> No 30 4 MAR 1992</p>	<p>ارگان مرکزی سازمان ندائیان خلق ایران (اکثریت)</p>
<p>حساب بانکی: M.ABD NR-35263011 کدبانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p>	<p>آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY</p>